کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

اعتراض‌ها فزاینده در دانشگاه‌های ایران ص ۴
بحران مسکن: حمایت حکومت از دلال‌های مسکن، مستأجران را فقیرتر کرده است ص ۵
سرکوب زندانیان و ادامهٔ صادر شدن حکم‌های اعدام برای زندانیان بدون برگزاری دادگاه ص ۵
حزب تودهٔ ایران در جشنوارهٔ "مانیفستا" در بلژیک شرکت کرد ص ۱۰
چگونه سوسیالیسم از رکود اقتصادی جلوگیری می‌کند؟ ص ۱۱
صلح پایدار مستلزم برقراری عدالت، تشکیل کشور مستقل فلسطین، و احترام به حق حاکمیت ملی خلق فلسطین است ص ۱۲

شمارهٔ ۱۲۴۴، ۱۴ مهر ۱۴۰۴ دوره دهم، سال چهل و یکم - تاریخ انتشار اولین شمارهٔ نشریهٔ ارگان ۱۲ بهمن ۱۳۲۰

ضمیمهٔ کارگری «نامهٔ مردم»، شمارهٔ ۱۰۲ منتشر شد!

ایران: «نه به جنگ، نه به تحریم‌ها؛ مبارزه برای آزادی و عدالت اجتماعی»

در بحبوحهٔ تداوم صدای گوش‌خراش و پریشان‌کنندهٔ جنگ در خاورمیانه، و تلفات وحشتناکی که به‌ویژه مردم فلسطین متحمل می‌شوند، در حالی که جامعهٔ بین‌المللی و سازمان‌های نمایندهٔ آن به نظر می‌آید قادر یا مایل به اقدام قاطع نیستند، بار دیگر صدای شوم دیگری بیش از پیش تکرار می‌شود: تهدید حملهٔ مجدد به ایران. فعالان در سراسر جهان زنگ خطر را به صدا درمی‌آورند و جنبش جهانی صلح را به بسیج نیرو برای اقدام- پیش از آنکه دیر شود- فرا می‌خوانند.

در پی توافقی که در سازمان ملل متحد بر سر برگرداندن مجموعه‌ای از تحریم‌های گستردهٔ بین‌المللی علیه ایران (اسنپ‌بک یا سازوکار ماشه)

ادامه در صفحه ۶

اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران به مناسبت هشتاد و چهارمین سالگرد تأسیس حزب

مبارزهٔ هشتاد و چهار سالهٔ حزب کارگران و زحمتکشان میهن ما برای آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی، و صلح به‌رغم تهاجم بیش از چهل سال نیروهای امنیتی رژیم ولایت فقیه و کارزار وسیع تبلیغاتی کارگزاران ارتجاع و سرمایه داری همچنان ادامه دارد!

هم‌میهنان گرامی!

دهم مهر ۱۴۰۴ مصادف است با هشتاد و چهارمین سالگرد بنیادگذاری حزب تودهٔ ایران که به همّت زندانیان سیاسی آزادشده از زندان‌های حکومت استبدادی و فاسد رضاشاه و چهره های ملی و آزادی

ادامه در صفحه ۷

پرچم مبارزه برای صلح بر فراز غرفهٔ حزب تودهٔ ایران در جشنوارهٔ آوانته افراشته شد در ص ۸

به‌رسمیت شناختن فلسطین کافی نیست!

در ارتباط با به‌رسمیت شناختن دولتی فلسطینی و اعلام آن و ضرورت این‌که کشورهای طرفدار خلق فلسطین با این قدم اول اقدام هایی عملی برای تشکیل این کشور و دولت بر طبق مصوبه‌های سازمان ملل متحد و در راستای حق مردم فلسطین برای تعیین سرنوشت باشد.

"آیدا توما-سلیمان"، نمایندهٔ پارلمان اسرائیل

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک!

ادامهٔ به‌رسمیت شناختن فلسطین کافی نیست...

(کنست)، استدلال می‌کند برای معنادار شدن روند به‌رسمیت شناختن روزافزون کشور فلسطین، این امر باید با تحریم‌هایی علیه اشغال غیرقانونی و دائمی اسرائیل همراه شود.

به‌رسمیت شناختن کشور فلسطین شاید برای دولت‌های غربی راهی برای تبرئه کردن خود در برابر فشار فزایندهٔ عمومی از سوی جنبش‌های همبستگی با فلسطین باشد، ولی این کافی نیست. در ماه‌های اخیر و همزمان با ادامه یافتن نسل‌کُشی مردم غزه از سوی رژیم اسرائیل، شماری فزاینده از کشورها قصدشان را برای به‌رسمیت شناختن کشور فلسطین اعلام کرده‌اند و به ۱۴۷ کشوری پیوسته‌اند که پیش‌تر چنین قصدی را اعلام کرده‌اند. بیشتر این کشورها در میان متحدان غربی اسرائیل هستند و قرار است این شناسایی به‌گونه‌ای رسمی در اجلاس سازمان ملل متحد برای احیای راه‌حل "دو کشور"، به‌ریاست مشترک عربستان سعودی و فرانسه، انجام گیرد. در چارچوب این تلاش، "مجمع عمومی" سازمان ملل این ابتکار را با اکثریت قاطع ۱۴۲ کشور موافق در برابر تنها ده کشور مخالف، تأیید کرد (حتی یکی از قوی‌ترین متحدان اسرائیل، آلمان، به این ابتکارعمل رأی مثبت داد هر چند اعلام کرد که در این مرحله کشور فلسطین را به‌رسمیت نخواهد شناخت). این ابتکارعمل اهرم فشار قدرتمندی برای تحقق مطالبات اساسی مردم فلسطین در جهت زندگی‌ای رها از اشغالگری اسرائیل و در کشور مستقل خویش می‌تواند باشد.

اگر این به‌رسمیت شناختن در بحبوحه جنگی نابودگر علیه غزه و همزمان با یورش نظامی شهرک‌نشینان علیه مردم فلسطین در بیت‌المقدس شرقی اشغالی و کرانهٔ باختری صورت نمی‌گرفت می‌توانست رخدادی تاریخی باشد. در وضعیت کنونی فوری‌ترین مطالبه اعمال بیشترین فشار ممکن بین‌المللی به‌منظور متوقف ساختن بی‌درنگِ حمله‌ها به غزه است تا بازماندگان وجان به‌دربردگان از قتل‌عام یا پاکسازی قومی کاملاً نجات یابند و همراه آن اشغال مجدد و دائمی کل این سرزمین در سال‌های آینده پایان پذیرد.

دو مسیر

جهان در دو مسیر موازی حرکت می‌کند: از یک سو موجی از همبستگی مردمی با آرمان فلسطین و علیه نسل‌کُشی که بالا گرفتن گفتگوها پیرامون به‌کار بردن تحریم‌هایی واقعی علیه اسرائیل را دربر می‌گیرد، و از سوی دیگر وحشیگری بی‌سابقه اسرائیل علیه مردم فلسطین که بدون قیدوشرط از جانب ایالات متحده حمایت می‌شود. آخرین نمونه‌اش نقض کردن شرایط میزبانی سازمان ملل توسط ایالات متحده بود، زمانی که "مارکو روبیو"، وزیر امور خارجه ایالات متحده، پیش از آغاز به‌کار و برگزاری "مجمع عمومی" سازمان ملل ممنوعیت صدور ویزا برای هشتاد مقام "تشکیلات خودگردان فلسطین" از جمله رئیس آن محمود عباس را اعلام کرد.

یکی از مشکلات این دو مسیر این است که سرعت حرکت تحول‌ها در آن‌ها متفاوتند: تبدیل شدن فشار افکار عمومی به سیاست‌هایی واقعی که توانِ اسرائیل در ویرانگری را بتواند مهار کند از سرعت هولناک جنایت‌های جنگی اسرائیل بسیار کندتر بوده است. به‌نظر می‌رسد متحدان غربی اسرائیل میان این دو مسیر گرفتار شده‌اند و همین امر به درپیش گرفتن سیاستی دوگانه و متناقض نسبت به فلسطینی‌ها منجر شده است. کشورهایی که همین روز قصدشان را برای به‌رسمیت شناختن فلسطین اعلام می‌کنند عاملان نسل‌کُشی علیه همان مردمی بوده‌اند که حق تعیین سرنوشت آنان را حالا با تأخیر به‌رسمیت می‌شناسند.

برخی کشورها همچنان از طریق ادامه دادن به روابط تجاری‌شان با اسرائیل سود می‌برند، در حالی‌که برخی دیگر در یاری رساندن به انجام جنایت‌های اسرائیل در غزه نقشی بی‌واسطه‌تر و فعال‌تر داشته‌اند: از پروازهای شناسایی هواپیماهای بریتانیا بر فراز غزه برای جمع‌آوری اطلاعات برای ماشین جنگی اسرائیل، تا موتورهای تانک ساخت آلمان که برای ویران کردن شهرهای رفح و خان‌یونس مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

این جزئیات به درک بهتر به‌رسمیت شناختن قریب‌الوقوع فلسطین کمک می‌کنند. هر کسی که تصور کند رخداد به‌رسمیت شناختن حاصل اوج تلاش‌هایی دیپلماتیک است در اشتباه است. به‌رسمیت شناختن پایان راه نیست، بلکه آغاز آن است. این اقدام باید با گام‌هایی عملی همراه شود که هم بقای مردم فلسطین و هم حق تعیین سرنوشت آنان را تضمین کند.

یک عمل انحرافی؟

به‌رسمیت شناختن دولتی فلسطینی ممکن است برای دولت‌های غربی راهی باشد تا در برابر فشار فزایندهٔ جنبش‌های همبستگی مردمی با فلسطین خودشان را تبرئه کنند. ولی این کافی نیست. نظرسنجی‌ها، برپایی اعتراض‌ها، و انبوهی از شواهد نشان می‌دهند افکار عمومی از آنچه اسرائیل بر سر فلسطینی‌ها می‌آورد و نیز از بی‌تفاوتی و همدستی دولت‌های‌شان و بسیاری اوقات از رسانه‌های‌شان به‌شدت منزجر است. مردم بسیج شده‌اند تا بر دولت‌های خود فشار بیاورند، و همین مردم هستند که باید تضمین کنند که به‌رسمیت شناختن اگرچه مهم است، ولی جایگزین نیاز فوری به پایان جنگ، جلوگیری از پاکسازی قومی، و متوقف کردن خشونت شهرک‌نشینان در کرانه باختری نمی‌شود.

روند الحاقِ خزنده و بی‌وقفهٔ زمین‌های فلسطینی بدون مداخله به‌منظور پایان دادن فوری به این روند، همچنان ادامه خواهد یافت و چشم‌انداز مبهم و درهم کنونی برای تأسیس کشوری فلسطینی بیش از پیش محو خواهد شد. به‌رسمیت شناختن فلسطین بستری در جهت تغییر دادن این روند به سوی روندِ راه‌حل "دو کشوری" باید باشد و نه به‌منزلهٔ تاوانِ کشورهایی که در مرگ این راه‌حل سهیم‌اند.

فلسطینی‌ها به‌درستی نگران این هستند که کشورهایی که "حق تعیین سرنوشت" آنان را به‌رسمیت می‌شناسند نه‌تنها این اقدام را به حرکتی نمادین محدود سازند، بلکه این اقدام موجب شود که از فلسطینی‌های تحت اشغال درخواست‌هایی بیشتر شود تا از اشغالگران اسرائیلی. به‌عبارت دیگر، این اقدام به‌جای به‌چالش کشیدن جنایت‌های اسرائیل به چماقی دیگر برای تضعیف حقوق و رفاه فلسطینی‌ها تبدیل شود.

این نگرانی بی‌اساس نیست: در متن بیانیه‌هایی که از جانب رهبران غربی هنگام اعلام به‌رسمیت شناختن فلسطین ارائه شد، شرایطی متعدد (برخی نیز در خود قطعنامهٔ سازمان ملل) ضمیمه شده بود که از آن جمله‌اند منحصر ساختن مشارکت در انتخابات فلسطین به جناح‌هایی است که از برنامه سازمان آزادی‌بخش فلسطین حمایت می‌کنند و توافق فلسطینی‌ها بر سر این‌که کشورشان غیرنظامی باشد، در حالی که فلسطینی‌ها در این صورت قدرت دفاع از خود در برابر نسل‌کُشی نخواهند داشت. فلسطینی‌ها اوضاع سیاسی خودشان را باید سامان دهند، ولی با چنین شرط‌ها و خواست‌هایی نظرها را از واقعیت نسل‌کُشی، پاکسازی قومی، و گسترش شهرک‌سازی نمی‌توانند برگردانند.

به‌رسمیت شناختن فلسطین، گامِ نخستِ مهمی است

با وجود این نگرانی‌ها حمایت از به‌رسمیت شناختن فلسطین ضروری است. حزب من، "هدش"، جبههٔ دموکراتیک صلح و برابری، مدت‌هاست که خواستار این اقدام بوده است. این یکی از راه‌های انسجام و تحکیم همداستانیِ جهانی بر ضد پروژهٔ اسرائیلی- آمریکایی "اسرائیلِ بزرگ" و در حمایت از حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها است و در این دوران وحشتناک وظیفهٔ سیاسی‌ای ضروری است.

ولی این به‌رسمیت شناختن فلسطین برای معنادار بودن، با تحریم‌هایی علیه اشغال دائمی و غیرقانونی کشوری که به‌رسمیت شناخته می‌شود باید همراه باشد. بر اساس نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در سال گذشته، برای غیرقانونی دانستنِ خودِ اشغال و همچنین برخی اقدام‌هایی که دولت‌ها برای نشان دادن همدستِ نبودن با اسرائیل باید انجام دهند، محدودیت‌هایی مشخص گردیده‌اند که از همکاری‌های تجاری تا همکاری‌های نظامی را شامل می‌شود.

کشورهایی مانند اسپانیا، ایرلند، و اسلوونی پیش از این برای تطبیق خود با قوانین بین‌المللی اقدام کرده‌اند. همچنین این‌طور به‌نظر

ادامه در صفحهٔ ۳

ادامهٔ به‌رسمیت شناختن فلسطین ...

می‌رسد که این کشورهایی که به‌طور روزافزون به‌رسمیت شناختن فلسطین را اعلام می‌کنند تنها نخستین کشورهایی هستند که این کار را انجام می‌دهند. حتی اخیراً آلمان هم ظاهراً تحریم تسلیحاتی اسرائیل را اعلام کرده است که در صورت اجرای صحیح اهمیتی فراوان می‌تواند داشته باشد. با این حال، "اتحادیهٔ اروپا" به‌طورکلی همچنان با ناتوانی‌اش در تصویب تحریم تسلیحاتی اسرائیل، فلسطینی‌ها را ناامید می‌کند.

دلیل اهمیت دادن به این موضوع به‌خاطر تأییدِ مجددِ این موضوع نیست که نظام تک‌قطبی دوران افول خود را می‌گذراند، بلکه دلیلِ اهمیت آن این است که غرب همچنان پشتوانهٔ ادامه یافتنِ سیاست‌های کنونی اسرائیل است. زیرا اسرائیل بخش عمده تجارتش را با غرب انجام می‌دهد، بسیاری از دارایی‌های مالی‌اش را در بانک‌های غربی نگه می‌دارد، در ورزش‌های بین‌المللی شرکت می‌کند و تبعهٔ آن مکرر و بدون ویزا به غرب سفر می‌کنند. غرب همچنین مدعی پایبند بودن به نظامی مبتنی بر قواعد و ارزش‌هاست و بنابراین این غرب است که تعیین می‌کند شکاف بین دو مسیر نابودی فلسطینی‌ها و پاسخگو کردن اسرائیل با چه سرعتی بسته خواهد شد.

همبستگی در خیابان‌ها باید به عمل در تالارهای قدرت تبدیل شود، حتی اگر این اقدام‌ها برای بسیاری از فلسطینی‌ها بسیار دیر رخ دهد. به‌رسمیت شناختن فلسطین گامی مهم است، ولی آن نیز باید به عمل تبدیل شود.

ادامهٔ چگونه سوسیالیسم از رکود ...

ظرفیت کامل همیشه محقق می‌شود. این امر امکان‌پذیر است، زیرا سرمایه‌داریِ مبتنی بر مالکیت خصوصی ولی پراکنده ابزار تولید است به‌طوری که کاهش تقاضا اگر حتی به کاهش قیمت‌ها منجر شود به‌معنای این است که برخی تولیدکنندگان زیان خواهند دید و بنابراین تولید خود را کاهش می‌دهند. این امر البته ممکن است به‌طورمستقیم موجب کاهش تولید در یک ساختار الیگوپولی (انحصارِ چندجانبه‌ای که تنها تعدادی اندک از شرکت های بزرگ بر بازار یک کالا تسلط دارند) با قیمت‌های رو به پایین ثابت شود. بنابراین، کاهش تقاضا در سرمایه‌داری لزوماً به کاهش تولید می‌انجامد، در حالی که کاهش تقاضا در سوسیالیسم به‌طورکامل از طریق کاهش قیمت‌ها جذب می‌شود و تولید تغییر نمی‌کند.

"میتشا کالکی"، اقتصاددان برجستهٔ مارکسیست لهستانی، میان سیستم‌های "تقاضامحور" و "عرضه‌محور" تمایز قائل می‌شد، تمایزی که بعدها توسط "یانوش کورنای"، اقتصاددان مجارستانی، مورد استفاده قرار گرفت. کالکی سرمایه‌داری را سیستمی "تقاضامحور" و سوسیالیسم را سیستمی "عرضه‌محور" می‌دید. سیستم تقاضامحور سیستمی است که در آن افزایش تقاضای کل موجب افزایش تولید می‌شود، در حالی که در سیستم عرضه‌محور این‌گونه نیست. در سوسیالیسم افزایش تقاضای کل تولید را افزایش نمی‌دهد، بلکه قیمت‌ها را افزایش می‌دهد، زیرا تولید همیشه در بالاترین سطح خود قرار دارد. به همین ترتیب، در سوسیالیسم، بیکاری غیرارادی به‌معنای نیروی کار بلااستفاده که با افزایش تقاضا برای کالا یا خدمات مورد استفاده قرار بگیرد، وجود ندارد. عدم وجود نداشتن بیکاری غیرارادی یکی از دستاوردهای بزرگ سوسیالیسم سابق بود. این دستاورد در تاریخ مدرن بی‌سابقه بود و تا امروز همچنان بی‌نظیر باقی مانده است.

نوشتهٔ پرابهات پاتنایک، نشریهٔ "مانتلی رویو"، ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۵ / ۲۴ شهریورماه ۱۴۰۴.

ادامهٔ اعلامیهٔ کمیته مرکزی

و برای آزادی، استقلال، و عدالت اجتماعی همچنان ادامه می‌دهد.

اغراق نیست اگر بگوییم که در این چهل و سه سال دوره‌ای نبوده است که اتاق‌های فکر دستگاه‌های امنیتی رژیم و نیروهای راست و مدافع سرمایه‌داری یورش امنیتی و تبلیغاتی به حزب تودهٔ ایران را متوقف کرده باشند. افزون بر این، باید گفت که در طوفان فروپاشی اتحاد جماهیر شوری و دولت‌های سوسیالیستی در اروپای شرقی- که با کارزار گستردهٔ رسانه‌های تبلیغاتی کشورهای امپریالیستی در مورد شکست قطعی اندیشه‌های سوسیالیستی و غلتیدن بخش‌هایی از جنبش چپ به راست و نفی تاریخ و اندیشه‌های مارکسیستی-لنینیستی همراه بود- توده‌ای‌ها در سنگر مبارزه برای استقرار جهانی دیگر، جهانی بهتر و برقراری سوسیالیسم، استوار و سربلند باقی ماندند و پرچم انترناسیونالیسم پرولتری را همچنان در اهتزاز نگاه داشتند.

کارزار گستردهٔ تبلیغاتی دستگاه‌های امنیتی رژیم و قلم‌به‌دستان فرومایهٔ ارتجاع در یک سال اخیر، در قالب انواع و اقسام مقاله‌ها و گاهنامه‌های قطور و فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی، بیش از هر چیز نشانهٔ آماده شدن ارتجاع و مدافعان سرمایه‌داری و برنامه‌ریزان امپریالیسم برای دوران پس از جمهوری اسلامی و زمینه‌چینی برای سرکوب کردن مجدد و خونین نیروهای چپ و توده‌ای‌ها است. سیاه‌نمایی و سرکوب نیروهای چپ در این روزها با هدف جلوگیری از گسترش اندیشه‌های چپ و آزادی‌خواهانه و مطالبات عدالت‌خواهانه صورت می‌گیرد.

رفقا، هواداران، دوستان، و مبارزان راستین راه آزادی میهن!

میهن ما دورهٔ بسیار بحرانی و حساسی را می‌گذارند. خطر درگیری مجدد نظامی و تجاوز به کشور و ادامهٔ حکومت سرکوبگر و ضدّمردمی جمهوری اسلامی وظیفه‌ای دشوار و تاریخی بر دوش همهٔ ما می‌گذارد. در این لحظات دشوار، همفکری و همکاری و همبستگی همهٔ نیروهای مترقی و آزادی‌خواه کشور برای دفاع از صلح و مصالح ملی کشور اهمیت حیاتی دارد. کارزار تبلیغاتی گسترده علیه حزب تودهٔ ایران و جنبش مردمی در میهن ما در واقع کارزاری است برای آماده کردن زمینه برای جابه‌جا کردن حکومت ورشکستهٔ کنونی با نوع دیگری از حکومت ارتجاعی و مقابله با تلاش جنبش مردمی در راه تحقق استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی و ساختن آینده‌ای رها از زنجیرهای استبداد و استثمار.

در هشتاد و چهارمین سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران، خاطرهٔ تابناک ده‌ها هزار جان‌باختهٔ توده‌ای و همهٔ مبارزان جان‌باخته در راه آزادی را گرامی می‌داریم. حزب تودهٔ ایران، حزب کارگران و زحمتکشان و محرومان کشور، حزب زنان مبارز و آزادی‌خواه، حزب جوانان و دانشجویان، حزب روشنفکران و نویسندگان و هنرمندان پیشرو، و حزب افسران میهن‌دوست و آزادی‌خواه، همچنان در کنار همهٔ آزادی‌خواهان و نیروهای ملی و مترقی کشور به تلاش برای رهایی ایران از چنگال رژیم ضدّمردمی و استبدادی ولایت فقیه ادامه می‌دهد.

مبارزهٔ ما ادامه دارد و ما اطمینان داریم که آینده از آن خلق و نیروهای ملی و آزادی‌خواهی است که همراه با مردم برای عملی شدن خواست های جنبش مردمی می‌رزمند!

- فرخنده باد هشتاد و چهارمین سالگرد تأسیس حزب تودهٔ ایران.
- آزادی برای همهٔ زندانیان سیاسی-عقیدتی و مدنی.
- درود آتشین بر رفقای رزمندهٔ توده‌ای که با وجود همهٔ فشارها و سختی‌ها همچنان استوار و وفادار در راه آرمان‌های انسانی حزبشان حرکت می‌کنند.
- درود بر کارگران، زحمتکشان، آموزگاران، پرستاران، و بازنشستگانی که با وجود شرایط طاقت‌فرسای معیشت و فشارهای امنیتی همچنان بر حق اعتراض پافشاری می‌کنند.
- درود بر زندانیان سیاسی که در سیاه‌چال‌های جمهوری اسلامی با شجاعت و استقامت پرچم مبارزه برای لغو اعدام را برافراشته و به‌رغم همهٔ فشارهای امنیتی قهرمانانه به مبارزه ادامه می‌دهند. با هم به‌سوی تشکیل جبههٔ واحد ضدّدیکتاتوری برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک.

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران
۶ مهر ۱۴۰۴

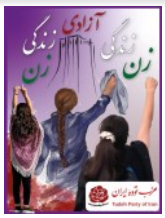

گزارش‌هایی از پیکار و زندگی مردم

اعتراض‌ها فزاینده در دانشگاه‌های ایران

با آغاز سال جدید تحصیلی و بازگشایی دانشگاه‌ها و خوابگاه‌ها در ترم پائیزی و نیز سالگرد خیزش "زن زندگی آزادی" حرکت‌های اعتراضیِ دانشجویان و حقوق‌بگیران دانشگاه‌های مختلف در مقابله با سیاست‌های ضددمکراتیک و غیرعادلانهٔ آموزشی که در چهارچوب سیاست‌های کلان اقتصادی و اجتماعی رژیم اجرا می‌شود را شاهد بودیم. رژیم در آستانهٔ سالگرد خیزش زن زندگی آزادی در دانشگاه‌ها به کنترل شدید دانشجویان و اعمال فشار برای پوشش اجباری دست زد. بر اساس گزارش الهه محمدی در روزنامهٔ "هم‌میهن"، تذکرهای مکرر دربارهٔ حجاب، سختگیری‌ها در ورود و خروج و ارجاع پی‌درپی دانشجویان به کمیتهٔ انضباطی که به‌گفتهٔ دانشجویان از زمان ریاست "زهرا ناظم‌بکایی" در سال ۱۴۰۱ شروع شده بود حالا و با شروع سال تحصیلی تازه و ابلاغ بخشنامه‌های معاونت دانشجویی و حراست دانشگاه، بار دیگر شدت گرفته است. در گزارشی دیگر که در شبکه‌های اجتماعی در این مورد منتشر شده است نشان از شدت یافتن کنترل دانشجویان در دانشگاه آزاد تهران دارد. در این گزارش آمده است: "برخوردهای سرکوبگرانه حراست دانشگاه آزاد تهران دستکم در دو واحد تهران شمال و تهران مرکز، در روزهای اخیر شدت گرفته است. در دانشگاه آزاد تهران شمال، به‌گفتهٔ دانشجویان با تغییر رئیس حراست دانشگاه، محدودیت‌های پوششی بسیار توهین‌آمیزی اعمال شده که یادآور وضعیت سال‌های دهه ۶۰ است. در این واحد دانشگاهی طی دو روز گذشته مأموران حراست از ورود تعدادی از دختران دانشجو به دانشگاه به دلیل نوع پوشش جلوگیری کرده‌اند. یکی از دانشجویان در این باره می‌گوید: 'زورشان به خیابان نمی‌رسد، جای دیگری قدرت‌نمایی می‌کنند.'" همزمان، گزارشی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که از اعمال محدودیت‌های مشابه و برخورد نامناسب با دانشجویان به دلیل پوشش حاکی است. حراست این واحد دانشگاهی اخیراً اعلام کرده که مانتوی دختران دانشجو "باید تا زیر زانو باشد" وگرنه از ورود آنان به دانشگاه جلوگیری خواهد شد.

سیاست‌های پولی‌سازی آموزش، گران‌تر کردن شهریه، و پایین آوردن امکانات رفاهی دانشجویان نیز وجه دیگری است که شدیداً بر زندگی علمی و اقتصادی دانشجویان خصوصاً دانشجویانی که از شهرهای دیگری برای تحصیل آمده‌اند، تأثیر گذاشته و شرایط سختی را برای آنان به‌وجود آورده است.

در هفته‌های اخیر وزارت علوم و مدیریت دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی مجموعه‌ای از تصمیم‌های اقتصادی را به اجرا گذاشته‌اند که زندگی روزمرهٔ دانشجویان را به‌چالش کشیده، تصمیم‌هایی که بر اساس سیاست‌های پولی‌سازی آموزش و نیز اجرای الگوهای نولیبرالی برای آموزش در سطح‌های مختلف است. این تصمیم‌ها از افزایش ۴۷ درصدی نرخ غذای دانشجویی و ۴۰ درصدی قیمت خوابگاه گرفته تا دو تا پنج برابر شدن نرخ غذای دانشجویی برای دانشجویان سنواتی (در حالی که سنوات مجاز هم طی سال‌های متمادی و به شکل پلکانی کاهش یافته است) به شکل هم‌زمان و فشرده اعمال شده‌اند. بر اساس اجرای این سیاست‌ها، نابرابری اقتصادی برای دسترسی به آموزش تشدید می‌شود. دانشجویانی که روی خوابگاه ارزان قیمت و غذای یارانه‌ای حساب می‌کنند عملاً یا مجبور به ترک تحصیل می‌شوند یا اشتغال زودهنگام را پیشه می‌کنند. دانشجویان مجبور خواهند شد به کارهایی پاره‌وقت روی بیاورند و بنابراین فرصت کافی برای مطالعه و پژوهش نخواهند داشت. این شیوه‌ها تشدید طبقاتی شدن آموزش را به‌دنبال داشته است. به‌طورمثال، جمعی از دانشجویان دانشگاه "هاتف" زاهدان در نامه‌ای اعلام کرده‌اند افزایش ناگهانی و چشمگیر شهریه‌ها فشار مالی سنگینی بر آنان وارد کرده و ادامهٔ تحصیل بسیاری از دانشجویان را با مشکل جدی مواجه ساخته است. دانشجویان گفته‌اند: "این افزایش هزینه‌ها نه‌تنها ادامه تحصیل بسیاری از دانشجویان را با چالش روبه‌رو کرده، بلکه عدالت آموزشی و فرصت برابر برای تحصیل را نیز تحت تأثیر قرار داده است." دانشجویان با ابراز نگرانی از وضعیت پیش‌آمده تأکید کرده‌اند: "مشکلات مالی و روحی ناشی از این افزایش شهریه‌ها، فضای آموزشی را متشنج کرده و امکان تمرکز بر تحصیل را از ما گرفته است." به‌گزارش خبرآنلاین، شهریه دانشگاه آزاد باز هم دغدغه دانشجویان و خانواده‌ها شد. یکی از دانشجویان می‌گوید شهریه ثابت رشته‌های علوم انسانی در ترم گذشته حدود ۲ میلیون تومان بود، اما در ترم جدید به‌طورناگهانی به ۱۱ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان رسیده است.

تمامی این مشکلات مالی وضعیتی را به‌وجود آورده است که دانشجویان و حقوق‌بگیران دانشگاه‌ها یکی پس از دیگری درآستانهٔ دست زدن به گردهمایی‌های اعتراضی برای تغییر این وضعیت هستند. دانشجویان خوابگاه جی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در اقدامی اعتراضی غذای خوابگاه را تحریم کرده و از خوردن آن خودداری کردند. معترضان ظروف غذای توزیع شده را به‌صورت ردیفی روی زمین خوابگاه چیدند تا نارضایتی خود را آشکارا نشان دهند. جمعی از کارکنان دانشگاه صنعتی شریف نیز در حرکتی اعتراضی مقابل ساختمان معاونت اداری مالی تجمع اعتراضی کرده و پس از دقایقی به سمت دفتر ریاست دانشگاه حرکت کردند. این تجمع که ادامهٔ اعتراض‌های ماه‌های گذشتهٔ این کارکنان است، به دلیل مشکل‌های معیشتی و رفاهی صورت گرفت. معترضان از وضعیت نابسامان موضوع‌هایی چون پایهٔ تشویقی، سرویس ایاب و ذهاب، کیفیت غذا، مشکلات مسکن، و وضعیت سنوات کارکنان شرکتی سخن گفتند، مشکل‌هایی برهم انباشته که به‌گفتهٔ این کارکنان سال‌هاست راه‌حلی برای آن‌ها ارائه نشده و وعده‌های تکراری هم هیچ‌گاه به نتیجهٔ ملموس نرسیده است. دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی تهران دو روز دست به تحصن و تجمع اعتراضی زدند. این اعتراض‌ها بامداد دوشنبه ۷ مهرماه در خوابگاه دانش گسترش یافت. دانشجویان این خوابگاه با سر دادن شعارهایی علیه سیاست‌های تبعیض‌آمیز و بی‌تفاوتی مسئولان به خواسته‌های‌شان دست به اعتراض زدند. آنان ابتدا در حیاط حلقه زدند و شعار سر دادند، سپس راهروها

ادامه در صفحهٔ ۵

ادامهٔ گزارش هایی از پیکار و ...

را پر کردند و اعلام کردند تا تحقق خواسته‌های‌شان، اعتراض‌ها ادامه خواهد داشت. این اعتراض‌ها یکشنبه ۶ مهرماه ابتدا در پردیس ونک و سپس در ساختمان مرکزی دانشگاه آغاز شد. شعارهای داده شده در اعتراض‌ها سیاست‌های پولی‌سازی آموزش را نشانه رفته‌اند. شعارهایی مانند: "دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد"، "دانشگاهِ پولکی، شهریهٔ زورکی"، "سلف و خوابگاه نداره، دزدی ادامه داره".

با رشد نارضایتی و گسترش فقر خصوصاً پس از بازگشت تحریم‌ها ما گسترش اعتراض‌های دانشجویی و همزمان سرکوب دانشجویان را شاهد خواهیم بود. پیوند دادن اعتراض‌های دانشگاه‌ها به یکدیگر، دادن شعارهایی مشخص که خواست‌های بخشی وسیع از دانشجویان را بازتاب دهد، و سازمان دادن اعتراض‌ها و از همه مهم‌تر پیوند دادن اعتراض‌ها به اعتراض‌های کارگران، پرستاران، و بازنشستگان می‌تواند هم دوام این اعتراض‌ها را تضمین نماید و هم باعث عقب‌نشینی گام به گام رژیم گردد.

بحران مسکن: حمایت حکومت از دلال‌های مسکن، مستأجران را فقیرتر کرده است

مسکنی مناسب و ارزان برای کارگران و زحمتکشان میهن ما در حکومت جمهوری اسلامی، حکومتی که از نسخه‌های نولیبرالی سرمایه‌داری پیروی می‌کند، کالایی بسیار گران قیمت و دست یافتن به آن در رؤیا نیز دست‌نیافتنی‌تر شده است. بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران زیر عنوان شاخص قیمت مصرف‌کننده (مربوط به شهریورماه امسال)، تورم ماهانه اجاره‌بهای مسکن ۲٫۸ درصد، تورم نقطه به نقطه ۳۴٫۴ درصد و تورم سالانه ۳۷٫۱ درصد اعلام شده است. این آمارها بیانگر رشد اجاره‌بها نسبت به ماه مشابه سال قبل است.

مردم محروم از مسکن مناسب که بنابر آمارهای رسمی یک‌سوم تا یک‌چهارم آنان در بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهر زندگی می‌کنند، برای تأمین اجاره‌بهای این‌گونه مسکن از سایر هزینه‌های ضرور زندگی از جمله دارو، پوشاک، مسافرت، و هزینه تحصیل فرزندان خود مجبورند چشم بپوشند.

دولت پزشکیان با ادامه دادن به اجرای نسخه‌های نولیبرالی سرمایه‌داری نه تنها کمکی به افزایش مسکن نکرده است، بلکه امکان دست یافتن توده‌های محروم به مسکن مناسب و ارزان قیمت را با دشواری‌هایی بیشتر روبرو کرده است. توان خرید مسکن برای اکثر مردم به‌شدت کاهش یافته است. پیامد این سیاست، افزایش باز هم بیشتر خانوارهای فقیر مستأجر و بیرون افتادن آنان از گردونهٔ خرید مسکن حتا در طرح‌های به‌اصطلاح نهضت ملی مسکن است.

وزیر راه و شهر سازی دولت پزشکیان در آیین افتتاح بیست‌وپنجمین نمایشگاه بین‌المللی صنعت ساختمان، راه برون‌رفت از رکود و بحران مسکن را باز گذاشتن دست دلال‌های مسکن و بورژوازی مستغلات اعلام کرد. به‌این‌ترتیب، دولت در چارچوب سیاست‌های کلی نظام که ولی فقیه آن را ترسیم کرده، به حمایت تمام‌قد از دلال‌ها و سرمایه‌داران بزرگ در بازار مسکن برخاسته است.

طبق قانون اجرای طرح‌های نهضت ملی مسکن و همچنین مسکن‌های حمایتی، قشرهای آسیب‌پذیر جامعه یعنی از دهک‌های "یک" تا "سه" باید حمایت شوند. در حالی که طرح‌های به‌اصطلاح حمایتی مسکن بیشترِ نصیب دهک‌های "هفت"، "هشت"، "نُه" و "ده" شده است. طبق آخرین آمار هایی که معاونت مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی اعلام کرده است، سهم دهک "هفت" از طرح‌های حمایتی ۹۹ ساله مسکن حدود ۱۱ درصد است. بیش از ۳۰ درصد طرح‌های حمایتی به دهک‌های پردرآمدِ "هشت"، "نُه"، و "ده" اختصاص داده شده است. طبق آخرین آمارهایی که معاونت مسکن و ساختمان وزارت راه و شهر سازی اعلام کرده است، به دهک "یک"- دهکی دربرگیرندهٔ فقیرترین خانوارها که دو میلیون خانوار را شامل می شود- فقط ۳۸ هزار و ۶۵۰ واحد تخصیص داده شده است.

همچنین بانک‌ها بر اساس قانون جهش تولید مسکن که در شهریور ۱۴۰۰ تصویب و ابلاغ شد، باید سالانه ۲۰ درصد از اعتبارات خود را به حوزه مسکن اختصاص می‌دادند که بانک‌ها کاملاً برخلاف این قانون رفتار کرده و در سه ماه نخست امسال فقط ۳ درصد تسهیلات پرداختی شبکه بانکی را به بخش مسکن و ساختمان اختصاص داده‌اند.

نبودن حمایت و سلب کردن مسئولیت دولت در ارائهٔ وام‌های کم‌بهره و رکود در ساختن خانه‌های ارزان و مناسب باعث گردیده‌اند متقاضیان کم‌درآمد و با درآمد متوسط و رو به پایین که با وعدهٔ خانه دار شدن با پرداخت نقدی ۳۵۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان در نهضت ملی مسکن مشارکت کرده بودند، دیگر نتوانند با پرداخت مبلغی بالای یک میلیارد تومان هم خانه خود را تحویل بگیرند. اعتراض کارگران متقاضی مسکن ملی شهرکُرد به کُندی ساخت واحدهای خود، واحدهایی که از سال‌ها پیش با پرداخت پول منتظر مشخص شدن وضعیت آن‌ها و مسکن‌شان هستند، نمونه‌ای از بی‌اعتنایی به مهمی مانند مسکن کارگران و زحمتکشان از طرف دولت پزشکیان است. کارگران متقاضی مسکن ملی شهرکُرد خواستار تثبیت قیمت، تسریع در پرداخت وام، و افزایش آن در ساخت خانه‌های خود شدند.

آمارهای ارائه شده در ارتباط با افزایش خانوارهای فقیر مستأجر بازگو کننده وعده‌های پوچ و توخالی رژیم در راستای حل معضل بی‌مسکنی و بدمسکنی توده‌های کار و زحمت است. رژیم ولایت فقیه و دولت دست نشانده‌اش بار دیگر ثابت کردند در این عرصه هم نه برنامه‌ای و نه اراده‌ای برای از میان بردن معضل چندین ساله مسکن و فقر مسکن دارند و همچنان معضل مسکن در این رژیم طبقاتی و لاینحل باقی خواهد ماند.

سرکوب زندانیان و ادامهٔ صادر شدن حکم‌های اعدام برای زندانیان بدون برگزاری دادگاه

سمیه رشیدی زندانی سیاسی که در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ هنگام شعارنویسی روی دیوارهای محلهٔ جوادیه بازداشت شد به‌دلیل رسیدگی نکردن مسئولان زندان قرچک ورامین نسبت به وضع جسمانی او و رساندن به‌موقع او به بیمارستان در واقع به قتل رسید. البته در این زندان، زندانی دیگری که به‌علت جرائم مالی زندانی بود نیز دقیقاً دوازده روز قبل از قتل سمیه رشیدی به‌دلیل مشابه تأخیر در رساندن به‌موقع زندانی بیمار به بیمارستان به‌قتل رسیده بود. زندانیان زن زندان قرچک در اعتراض به برخوردهای غیرانسانی و غیرمسئولانهٔ گردانندگان زندان که به قتل سمیه رشیدی منجر شد دست به اعتصاب غذای دو روزه زدند. ادامهٔ سیاست‌های سرکوبگرانه و غیرانسانی در رژیم چون نهادینه است فقط به رسیدگی نکردن به وضع زندانیان منحصر نمی‌شود. اعدام‌های اخیر که به‌گفتهٔ مسئولان حکومت در مورد جاسوس‌های اسرائیل اجرا شدند در شرایطی برگزار شدند که هیچ‌گونه امکان دفاع یا محاکمه‌ای برای محکومانش به‌وجود نیامده بود.

گذشته از آن که حکم اعدام به طورکلی باید لغو شود از رژیم هم باید پرسید چرا مردم ایران و خصوصاً خانوادهٔ آنانی که به‌علت جنگ دوازده روزه و نفوذ جاسوس‌های اسرائیلی در حساس‌ترین مقام‌ها شاهد جان باختن عزیزان خود بودند چرا از نحوهٔ نفوذ جاسوس‌ها در بالاترین و حساس‌ترین ارگان‌ها نباید بی‌اطلاع بمانند؟

ادامهٔ ایران: «نه به جنگ، نه به تحریم‌ها؛ ...

صورت گرفت، این تهدید اکنون بسیار جدّی‌تر شده است. اعمال تحریم‌های بین‌المللی از روز یکشنبه ۲۸ سپتامبر (۶ مهر) و پس از یک مهلت سی روزه دوباره به اجرا درآمد. سی روز پیش از آغاز برگشت تحریم‌های بین‌المللی، سه قدرت بزرگ اروپا (بریتانیا و فرانسه و آلمان) ایران را به «تخطی چشمگیر» از تعهدهایش مطابق با برنامهٔ جامع اقدام مشترک ۲۰۱۵ یا «برجام» متهم کرده بودند. این در حالی است که چین و روسیه تلاش جدّی کردند که برجام برای شش ماه دیگر تمدید شود و در نتیجه «سازوکار ماشه» (تا ۱۸ آوریل ۲۰۲۶ (۲۹ فروردین ۱۴۰۵) به تعویق افتد و وقت بیشتری به ایران داده شود.

اقدامی که وزیران خارجهٔ سه قدرت بزرگ اروپایی آغاز کردند آشکارا ناشی از همسویی موضع آنها در قبال ایران با موضع‌گیری دولت ترامپ است. آنها به‌ویژه به خودداری ایران از همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، دیده‌بان هسته‌یی سازمان ملل متحد، اشاره می‌کنند. با توجه به اینکه به گفتهٔ خود آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پیش از بیرون رفتن یک‌جانبهٔ دولت اول ترامپ در سال ۲۰۱۸ از توافق برجام، ایران به تعهدهایش طبق مفاد برجام پایبند بوده است، این موضع‌گیری اروپایی‌ها بسیار نامعقول است.

سه قدرت اروپایی همچنین بر اجازه ندادن ایران به بازرسان آژانس برای دسترسی به سایت‌های هسته‌یی تأکید کردند، در صورتی که واقعیت این است که بازرسی‌ها فقط پس از آغاز جنگ و بمباران دوازده‌روزهٔ اسرائیل و آمریکا علیه ایران در ماه ژوئن (خرداد) تعلیق شد. در آن حمله‌ها بیش از هزار غیرنظامی کشته شدند، عدهٔ بیشتری قطع عضو شدند، خسارات زیادی در ایران به بار آمد، و به تأسیسات هسته‌یی ایران حمله شد، که نقض آشکار قوانین بین‌المللی بود. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بعداً در روز جمعه ۲۷ سپتامبر (۵ مهر) تأیید کرد که بازرسی‌ها از سر گرفته شده است. از سوی دیگر، لفاظی‌های جنگ‌طلبانه و ژست‌های بی‌ملاحظهٔ جمهوری اسلامی ایران، در حالی که این رژیم همچنان به موش‌وگربه بازی و دست‌کم گرفتن تنش و خطر در برخورد با جامعهٔ بین‌المللی ادامه می‌دهد- که به‌طرز وحشتناکی یادآور ژست‌های رژیم صدام حسین در آستانهٔ حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ است- در نهایت نشانهٔ بی‌مسئولیتی جمهوری اسلامی در قبال مردم ایران و در حفاظت از کشور و منافع مسلّم آن است. هیچ تردید و توهمی نباید داشت. بازگشت تحریم‌های فلج‌کننده بیش و پیش از هر چیز به عموم مردم ایران آسیب می‌رساند که سال‌هاست آسیب می‌بینند و رنج می‌برند، نه به کسانی که در رأس قدرت دیکتاتوری مذهبی خشن ۴۵ساله قرار دارند.

البته این سناریوی آشنایی است که پیش از این نیز نتایج دهشتناکی به بار آورده است، از جمله در عراق، کشور همسایهٔ ایران. این سناریو شامل خفه کردن اقتصادی و تخریب عمدی زیرساخت‌های حیاتی کشور مورد نظر در طول سال‌ها با تأیید سازمان ملل متحد است، که در نهایت به اقدام نظامی یک‌جانبه برای وادار کردن آن کشور به تسلیم کامل یا تکه‌تکه شدن منجر می‌شود. در واقع، بین وضع مردم عادی عراق از سال ۱۹۹۱ (۱۳۷۰)، پس از جنگ اول خلیج فارس، تا سال ۲۰۰۳ (سال حملهٔ آمریکا و بریتانیا به عراق) و وضعی که اکنون مردم ایران با آن مواجه‌اند شباهت آشکاری دیده می‌شود که نباید آن را دست‌کم گرفت.

در ایران کنونی، در اقتصادی که در حال سقوط آزاد است، اکثر مردم کشور مشکلات اجتماعی-اقتصادی عظیمی را تحمل می‌کنند که پیش از هر چیز نتیجهٔ سه دههٔ تحمیل فاجعه‌بار سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی در رژیم ولایی حاکم در ایران است. این روند به تضعیف اقتصاد رانتی و مبتنی بر دلار ایران منجر شده است و وضعی به وجود آورده است که آمریکا می‌تواند خودسرانه تحریم‌های مالی و اقتصادی ناعادلانه و مخربی علیه ایران اعمال کند.

با توجه به تلاش امپریالیسم آمریکا از روی اضطرار برای جلوگیری از کاهش قدرت سلطه‌اش و تقویت هژمونی رو به کاهش آن، همراه با دسیسه‌های متعدد خودسرانه، پیش‌بینی‌نشدنی، ولی بسیار خطرناک دولت ترامپ، که بیش از پیش رو به فاشیستی شدن دارد، و اختیار مطلقی که ظاهراً به رژیم جنایت‌کار نتانیاهو در تل آویو داده است، باید گفت که وضع کنونی بسیار خطرناک است.

...مردم ایران نمی‌خواهند به سرنوشت عراق، لیبی، یا سوریه دچار شوند و در نتیجهٔ دخالت‌های خونین خارجی، جنگ، و بی‌ثباتی طولانی‌مدت کشورشان را ویران‌شده ببینند. مردم ایران نمی‌خواهند ببینند که در قربانگاه تهدیدهای بی‌پروای دیکتاتورهای حاکم، پیش‌بینی‌های نادرست و مرگ‌بار از قدرت نظامی رژیم، و ژست‌های توخالی ضدّامپریالیستی آن قربانی شده‌اند... بنابراین، مبارزه برای دستیابی به آزادی‌ها، حقوق بشر و دموکراتیک، و عدالت اجتماعی با مبارزه برای حفظ صلح و حاکمیت ملی در ایران گره خورده است. این دو مبارزه جدانشدنی‌اند. هیچ‌یک بدون دیگری معنا و توان ندارد.

ایران اکنون در مرکز طوفان حوادث قرار دارد و این در حالی است که بازترسیم نقشهٔ منطقه و بازچینی توازن نیروها در غرب آسیا [از جمله در خاورمیانه] برای تضمین ادامهٔ سرکردگی آمریکا و نیز اجرای نقشه‌های توسعه‌طلبانهٔ اسرائیل با جدیّت در جریان است. کشور ما در وضعی بسیار آسیب‌پذیر قرار دارد و امنیت و منافع ملی برحق و امنیت ایران مداوم در معرض حمله، خراب‌کاری، و دخالت‌های شریرانه از خارج قرار دارد.

مردم ایران امروزه اساساً خود را در وضع خطرناکی می‌بینند: از یک سو نقشه‌های شریرانه و دسیسه‌های دیکتاتوری خشن مذهبی و از سوی دیگر مانورهای بیش از پیش تهاجمی و تهدیدآمیز امپریالیسم آمریکا به رهبری ترامپ، با اقدام‌های پیش‌بینی‌نشدنی‌اش.

حتی بر اساس برآوردهای خود مقامات رژیم ایران، میزان حمایت مردم از جمهوری اسلامی و ادامهٔ این رژیم از ۲۰درصد جمعیت فراتر نمی‌رود. با این حال، این بیزاری گسترده از رژیم به معنای حمایت از دخالت خارجی در ایران نیست، چه رسد به سیاست تغییر رژیم، چنان‌که در واکنش مردم ایران به جنگ دوازده‌روزه علیه ایران در ماه ژوئن (خرداد-تیر) به‌وضوح نشان داده شد، که در آن گرد هم آمدن حول دفاع از کشور و دفاع از حاکمیت ملی به‌روشنی دیده شد.

مردم ایران نمی‌خواهند به سرنوشت عراق، لیبی، یا سوریه دچار شوند و در نتیجهٔ دخالت‌های خونین خارجی، جنگ، و بی‌ثباتی طولانی‌مدت کشورشان را ویران‌شده ببینند. مردم ایران نمی‌خواهند ببینند که در قربانگاه تهدیدهای بی‌پروای دیکتاتورهای حاکم، پیش‌بینی‌های نادرست و مرگ‌بار از قدرت نظامی رژیم، و ژست‌های توخالی ضدّامپریالیستی آن قربانی شده‌اند.

بدتر شدن وضع کمبود آب، در حالی که گفته می‌شود تهران بسیار آسیب‌پذیر خواهد بود؛ قطع مکرر و فزایندهٔ برق؛ افزایش شدید و مداوم هزینه‌های زندگی؛ کاهش ارزش پول ملی تا مرز سقوط؛ و انواع فجایع زیست‌محیطی همگی زندگی بخش اعظم مردم عادی ایران و اقتصاد را تباه کرده است. آشکارا دیده می‌شود که رژیم ایران قادر به مدیریت پیامدهای نامطلوب این بحران‌های پیچیده نیست و ملت ایران را در وضعی برزخی و فلج‌کننده قرار داده است که ناشی از بی‌اطمینان بودن به آینده و روبه‌رو بودن با احتمال شوم جنگی دیگر در آیندهٔ نزدیک است.

در سراسر کشور فراخوان‌های «نه به جنگ، نه به تحریم: آزادی و عدالت» با نگرانی فزاینده‌ای طنین‌انداز است. با این حال، به‌دلیل سرکوب سازمان‌یافته و بی‌امان دیکتاتوری مذهبی علیه مردم، ایران فاقد ساختارهای بنیادینی است که با کمک آنها بتوان خواست‌های مردمی را به مجرای اقدام‌های سازمان‌یافته و هماهنگ هدایت کرد. جنبش صلح کارآمدی در کشور وجود ندارد، جنبش مستقل زنان یا سندیکاهای گسترده و فعال وجود ندارد، و جریان‌های جامعهٔ مدنی را هم در عمل بی‌اثر کرده‌اند. نبود این ستون‌های دموکراتیک در ایران باعث شده است که مردم صدای جمعی نداشته باشند، در حالی که رژیم بدون اینکه پاسخ‌گو باشد، به حکومت ناهنجارش ادامه می‌دهد که انگیزه‌اش نه حفظ منافع ملی، بلکه ضرورت حفظ دیکتاتوری مذهبی به هر قیمتی است.

بنابراین، مبارزه برای دستیابی به آزادی‌ها، حقوق بشر و دموکراتیک، و عدالت اجتماعی با مبارزه برای حفظ صلح و حاکمیت ملی در ایران گره خورده است. این دو مبارزه جدانشدنی‌اند. هیچ‌یک بدون دیگری معنا و توان ندارد.

انتخاب مسیر تحولات آیندهٔ ایران باید فقط در اختیار خود مردم ایران بماند. دقیقاً به همین دلیل است که کمونیست‌ها، مبارزان چپ و مترقی، و جنبش‌های صلح در سراسر جهان، ضمن مخالفت با امپریالیسم و کوبیدن بی‌وقفهٔ آن بر طبل جنگ، باید مبارزهٔ مردم ایران با ارتجاع و دیکتاتوری، در راه دستیابی به حقوق بشر و دموکراتیک، آزادی، و عدالت اجتماعی را نیز درک کنند و از آن حمایت کنند.

ادامهٔ اعلامیهٔ کمیته مرکزی ...

خواه کشور همچون سلیمان میرزا اسکندری تأسیس شد. حزب تودهٔ ایران در سراسر این حیات پُرفرازونشیب دمی از تلاش و پیکار در راه تحقق حقوق کارگران، زحمتکشان، زنان، خلق‌ها، و جوانان کشور و همبستگی بین‌المللی دست نکشیده است. هشتاد و چهارمین سالگرد حزب تودهٔ ایران در شرایطی فرا می‌رسد که اوضاع جهان و به‌خصوص منطقهٔ خاورمیانه پیامدهای جدی و خطرناکی برای صلح و حاکمیت ملی میهن ما داشته است. کشتار عظیم بیش از ۶۶٬۰۰۰ فلسطینی در نوار غزه در دو سال اخیر به دست رژیم جنایت‌کار نتانیاهو و با تأیید و همکاری نزدیک امپریالیسم آمریکا، که کمیسیون تحقیق سازمان ملل متحد در گزارشی در شهریور ۱۴۰۴ آن را نسل‌کشی فلسطینی‌ها اعلام کرد و مقامات ارشد اسرائیل از جمله نتانیاهو را مسئول مستقیم این جنایت‌ها دانست، همراه با تجاوز گستردهٔ دولت اسرائیل با حمایت سیاسی و نظامی دولت ترامپ به لبنان، سوریه، یمن، و ایران، در مجموع وضع بسیار پیچیده و خطرناکی در غرب آسیا پدید آورده است.

تهاجم نظامی مشترک اسرائیل و امپریالیسم آمریکا به منطقه و ایران مرحلهٔ جدیدی از برنامهٔ آمریکا و مزدور منطقه‌یی‌اش دولت فاشیستی نتانیاهو برای بازچینی نقشهٔ سیاسی-جغرافیایی این منطقه در چارچوب تأمین منافع راهبردی امپریالیسم جهانی و همچنین »قانونی کردن «اشغال غزه و کرانهٔ باختری رود اردن و بخش‌هایی از خاک لبنان و سوریه و الحاق آنها به اسرائیل است.

هم‌میهنان گرامی!

نشست فوق‌العادهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران در قطعنامه‌ای دربارهٔ اوضاع کشور بعد از یورش جنایت‌کارانهٔ دولت اسرائیل و حملهٔ امپریالیسم آمریکا از جمله یادآور شد که جنگی که رژیم جنایت‌کار نتانیاهو و امپریالیسم آمریکا بر میهن ما تحمیل کردند با منافع جنبش مردمی در مبارزه با حکومت ولایی جمهوری اسلامی در تضاد بود. این جنگ همچنین نشان داد که سرنوشت کشور ما با مداخلهٔ خارجی و بمباران کردن ملت تعیین نمی‌شود و چنین مداخله‌ای در راستای منافع ملی میهن و مردم ما نیست. در آن بیانیه، ضمن اشاره به عملکرد نیروهای ضدّمردمی و مزدوری همچون طرفداران سلطنت و سازمان مجاهدین خلق ایران آمده است: »نیروهای مزدوری که در طول عملیات جنایت‌کارانه و تروریستی اسرائیل به‌مثابهٔ پایگاه اطلاع‌رسانی دولت نسل‌کُش نتانیاهو عمل کردند و ادامه یافتن جنگ و بمباران مردم بی‌گناه میهن ما را خواهان بودند نشان دادند که برخلاف همهٔ شعارها و ادعاهایشان نه‌تنها دلسوز ایران و مردم ایران نیستند، بلکه به هدف تصاحب قدرت و جایگزین کردن رژیم دیکتاتوری کنونی با حکومتی ضدّمردمی و مزدور بیگانه در تلاش‌اند آینده‌ای فاجعه‌بار در عمل برای کشورمان رقم زنند. این نیروها در زمرهٔ بازندگانِ اصلی بازی مرگ‌بار امپریالیسم آمریکا و دولت جنایت‌کار نتانیاهو با سرنوشت میهن ما بودند.«

اکنون، نزدیک به چهار ماه پس از تجاوز نظامی اسرائیل به خاک ایران، اوضاع کشور همچنان با بحرانی فزاینده روبه‌روست. وخامت اوضاع اقتصادی، از جمله تشدید فقر و محرومیت و تعطیل شدن بسیاری از واحدهای تولیدی کشور به‌علت بحران بی‌برقی و انرژی و در نتیجه بیکار شدن زحمتکشان، بی‌آبی در سراسرکشور، و سردرگمی حاکمان جمهوری اسلامی در چگونگی رسیدن به توافق با دولت ترامپ و کشورهای اروپایی برای لغو کامل تحریم‌های ضدّانسانی اقتصادی آنها علیه ایران زندگی اکثریت مردم میهن ما را به فاجعه‌ای دردناک تبدیل کرده است. بر این مجموعه باید بازگشت تحریم‌های بین‌المللی شورای امنیت سازمان ملل متحد را هم اضافه کرد که با اجرای برجام اعمال آنها متوقف شده بود. کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیهٔ اروپا، نیز گفت که اتحادیهٔ اروپا نیز تحریم‌های تعلیق‌شده‌اش را بدون تأخیر به اجرا خواهد گذاشت. کایا کالاس در عین حال گفت که این به معنای پایان دیپلماسی با ایران نیست: »رسیدن به یک راه‌حل با دوام در مورد مسئلهٔ هسته‌یی ایران فقط از طریق مذاکره ممکن است. «جمهوری اسلامی ایران نیز هشدار داده است که پاسخ

»قاطع «خواهد داد. در اوضاع بسیار بحرانی و دشوار اقتصادی کنونی کشور، نداشتن سیاستی شفاف، ملی، و هوشیارانه در برخورد با موج جدید تحریم‌ها بی‌شک می‌تواند پیامدهای وخیمی برای میهن و ملت داشته باشد.

روز ۲۵ شهریور امسال مصادف با سومین سالگرد خیزش مردمی »زن، زندگی، آزادی «در اعتراض به قتل وحشیانهٔ مهسا امینی در بازداشت گزمگان سپاه پاسداران رژیم ولایی بود. اعتراض‌های مردمی گسترده‌ای که در پی این جنایت سراسر ایران را فرا گرفت جمهوری اسلامی را با چالش‌هایی جدی روبه‌رو کرد. نقش قهرمانانهٔ زنان و جوانان کشور در این مبارزه با نیروهای سرکوبگر رژیم از صفحات درخشان تاریخ مبارزات مردم ما بر ضد استبداد و برای دستیابی به آزادی است. اکنون، سه سال پس از آن خیزش مردمی، و به‌خصوص در ماه شهریور که مصادف با سالگرد آغاز آن بود، همچنان شاهد ادامهٔ همان سیاست‌های سرکوبگرانهٔ شکنجه و اعدام مخالفان و تلاش برای حفظ و ادامهٔ حکومتِ غرق در بحران به زور سرنیزه و سرکوب هستیم.

شعارهای فریبندهٔ »وفاق ملی «که پزشکیان و سران رژیم در هنگامهٔ یورش نظامی اسرائیل سر داده بودند جایش را به اعدام‌های گستردهٔ بازداشت‌شدگان خیزش »زن، زندگی، آزادی «و سرکوب خشن و وحشیانهٔ هرگونه اعتراض خیابانی بر ضد سیاست‌های سران حکومت داد که ایران را امروزه در چنین وضع بحرانی و دشواری قرار داده است.

رزمندگان توده‌ای!

از یورش رژیم اسلامی به حزب تودهٔ ایران در بهمن ۱۳۶۱ چهل و سه سال می گذرد. به‌رغم همهٔ ادعاهای سران و سخن‌گویان رژیم دربارهٔ ریشه‌کن شدن حزب تودهٔ ایران، به‌رغم همهٔ شوهای تلویزیونی قربانیان شکنجه برای مسخ و بدنام کردن تاریخ سراسر پیکار حزب توده‌ها، و با وجود اعدام صدها تن از کادرهای برجسته و اعضای رهبری حزب، دانشمندان، اندیشمندان، فعالان جنبش کارگری، زنان، دانشجویان، افسران شرافتمند، نویسندگان و هنرمندان، و مبارزان خستگی‌ناپذیر راه بهروزی زحمتکشان، امروزه حزب تودهٔ ایران به لطف پایداری و مبارزهٔ توده‌ای‌ها در ایران و در مهاجرت به پیکار برای تحقق آرمان‌های والای طبقهٔ کارگر و زحمتکشان

ادامه در صفحهٔ ۳

پرچم مبارزه برای صلح بر فراز غرفهٔ حزب تودهٔ ایران در جشنوارهٔ آوانته افراشته شد

* * امسال با توجه به شرایط پرآشوب و بسیار خطرناک منطقه و بمباران غیر قانونی و جنایت‌کارانهٔ شهرها و تأسیسات نظامی و استراتژیک میهنمان توسط اسرائیل و آمریکا در طی جنگ ۱۲ روزه و کشتار بیش از هزار نفر از شهروندان بی‌گناه کشور، غرفهٔ حزب تودهٔ ایران با پوسترها و بَرنوشته‌هایی (بنرهایی) در ارتباط با ضرورت صلح و مخالفت با سیاست‌های امپریالیسم و دولت اسرائیل تزئین شده بود.
* * هزاران فعال کمونیست و چپ پرتغالی از غرفهٔ حزب تودهٔ ایران که در نزدیکی دروازهٔ اصلی جشنواره و در کنار و همسایگی غرفه‌های مپلا (آنگولا)، حزب کمونیست آلمان، حزب کمونیست ایتالیا، حزب کمونیست ترکیه، و حزب کارگران بلژیک قرار داشت، بازدید کردند.
* * غرفهٔ حزب تودهٔ ایران با برنوشته‌هایی در رابطه با مبارزه برای صلح، دموکراسی، عدالت اجتماعی، و "نه به هر گونه اقدام جنگی علیه ایران"، "آتش‌بس فوری در غزه"، "به نسل‌کشی در فلسطین پایان دهید"، "به همهٔ مداخلات نظامی و تحریم‌های اقتصادی علیه ایران پایان دهید" و... تزئین شده بود
* * به دعوت رهبری حزب کمونیست پرتغال نشستی دوجانبه برای گفت‌وگو و تبادل نظر بین نمایندگان رهبری دو حزب کمونیست پرتغال و حزب تودهٔ ایران برگزار شد.
* * نمایندهٔ کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران در میزگرد پیرامون "نسل کشی در غزه، برای صلح در خاورمیانه" که در آن نمایندگان حزب‌های کمونیست از بحرین، لبنان، ترکیه و همچنین "سازمان آزادی‌بخش فلسطین"، "جبههٔ دموکراتیک برای آزادی فلسطین"، "جبههٔ خلق برای آزادی فلسطین" حضور داشتند، شرکت و سخنرانی کرد.

جشنوارهٔ روزنامه "آوانته"، ارگان حزب کمونیست پرتغال، که از موفق‌ترین جشنواره‌های سیاسی-اجتماعی در قارهٔ اروپا است، طبق سنت هرساله با شکوهی بی‌نظیر در روزهای ۱۵ تا ۱۷ شهریورماه (۵ تا ۷ سپتامبر)، در پارک وسیع متعلق به حزب کمونیست پرتغال در ساحل رودخانه "تاگوش" در جنوب شهر لیسبون برگزار می‌شود. امسال نزدیک به صدهزار تن از کوشندگان صلح و سوسیالیسم و زحمتکشان پرتغال که در میان آنان به‌ویژه حضور جوانان چشمگیر بود، در این جشن شرکت کردند. جشنوارهٔ آوانته که سازمان‌دهی و تدارک عملی و فنی آن کار و نیرویی عظیم می‌طلبد، با بسیج هزاران رفیق کارگر و جوان کمونیست و کار جمعی داوطلبانه آنان در طول فصل تابستان شکل می‌گیرد و از نظر تأثیر بر کارزار سیاسی حزب و متحدان سیاسی آن بی‌همتا است. حمایت سیاسی از جشنوارهٔ آوانته از سوی بسیاری از فعالان و حامیان ائتلاف انتخاباتی حزب کمونیست و حزب سبزهای چپ پرتغال جنبهٔ مهم دیگر این جشنواره است.

امسال حضور ۳۵ هیئت نمایندگی از حزب‌های کمونیست، جنبش‌های آزادی‌بخش و نیروهای ترقی‌خواه از کشورهای مختلف جهان از کوبا گرفته تا روسیه و صحرای غربی به این جشنواره خصلتی انترناسیونالیستی داده بود. هزاران دختر و پسر جوان در همهٔ عرصه‌های این جشنواره از تدارک فیزیکی گرفته تا فعالیت سیاسی و ابتکارهای هنری بی‌نظیر فعال بودند و جذابیت

مبارزه برای سوسیالیسم را به‌نمایش گذاشتند. غرفهٔ حزب توده ایران در قلب "صحنه بین‌المللی" در محوطهٔ جشنواره، پیام‌رسان رسای مبارزهٔ حزب ما و طبقهٔ کارگر ایران در راه صلح، دموکراسی، عدالت اجتماعی، حقوق بشر و بر ضد تحریم‌های امپریالیستی بود. غرفهٔ حزب که با پنج بَرنوشته بزرگ گویا و زیبا با شعارهایی در پیوند با مبارزه برای صلح، دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی آراسته شده بود، در همسایگی غرفه‌های مپلا (آنگولا)، حزب کمونیست آلمان، حزب کمونیست ترکیه، و حزب کارگران بلژیک، و حزب کمونیست ایتالیا قرار داشت. برنوشته‌ای بزرگ با شعار: "مبارزه ما برای صلح، دموکراسی و سوسیالیسم است! نه به: جنگ، تحریم‌های اقتصادی و مداخله خارجی در ایران!" در جلوی غرفهٔ حزب درون‌مایه ترقی‌خواهانه، انقلابی و میهن‌دوستانهٔ مبارزه حزب توده ایران را برای شرکت‌کنندگان جشنواره برجسته می‌کرد.

رفقای هیئت نمایندگی حزب تودهٔ ایران نشریه‌های متنوع حزب علیه استبداد، جنگ و همچنین پیرامون تحولات و اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران را به‌زبان‌های انگلیسی و پرتغالی در اختیار بازدیدکنندگان از غرفه و شرکت‌کنندگان در جشنواره قرار می‌دادند. با کمک ارزشمند حزب کمونیست پرتغال یک اعلامیه دوصفحه‌ای به‌زبان پرتغالی با عنوان "حزب توده ایران، ۸۴ سال مبارزه در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیسم" که درباره فعالیت‌ها، موضع‌گیری‌های سیاسی و تحلیل حزب ما از اوضاع کنونی ایران و منطقهٔ خاورمیانه و دربردارندهٔ تاریخچه‌ای کوتاه و نکته‌هایی عمده پیرامون مبارزه کمونیست‌های ایران در بیش از یک قرن گذشته بود، میان هزاران بازدیدکننده جشنواره پخش شد.

غرفهٔ حزب با ارائه نشریه‌های انگلیسی‌زبان "توده نیوز" (گزینهٔ مقاله‌های "نامه مردم" و اعلامیه‌های کمیته مرکزی حزب توده ایران) و "ایران امروز" (نشریهٔ "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران"، دربردارندهٔ گزارش‌های همبستگی سندیکاهای بزرگ اروپا با مبارزه زحمتکشان کشور در زندان و در آزادی) به علاقه‌مندان به کانونی برای گفت‌وگو و تبادل نظر پیرامون مسائل مهم کشور و منطقهٔ خاورمیانه بدل شده بود.

ادامه در صفحهٔ ۹

ادامهٔ پرچم مبارزه برای صلح بر فراز ...

غرفهٔ حزب ما در طول مدت جشنواره مورد بازدید رفقای هیئت‌های نمایندگی حزب‌های برادر حاضر در فستیوال آوانته قرار گرفت.
نمایندهٔ کمیته مرکزی حزب ما به‌دعوت رسمی حزب کمونیست پرتغال در جلسه ملاقات و تبادل‌نظری همه‌جانبه و پربار با رفیق "پائولا سانتوز"، عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست پرتغال و رهبر فراکسیون نمایندگان کمونیست در پارلمان این کشور، در ارتباط با تحول‌های سیاسی اخیر ایران، ماهیت ارتجاعی و به شدت منفی رژیم حاکم بر ایران و نقش آن در تحولات آتی در ایران و منطقه، تشدید حملات رژیم به فعالان جنبش‌های اجتماعی زنان، جوانان و کارگران کشور، دگرگونی‌های سیاسی ماه‌های گذشته در خاورمیانه، ارزیابی حزب توده ایران از جنگ ۱۲ روزهٔ اسرائیل و آمریکا با ایران و تهدید ازسرگرفته‌شدن دوباره جنگ، و ضرورت مبارزه برای حفظ صلح و همچنین پیرامون گسترش و تعمیق رابطهٔ متقابل میان دو حزب گفت‌وگو کردند.

شرکت نمایندهٔ حزب در میزگرد پیرامون تحولات خاورمیانه

در سومین روز جشنواره به‌دعوت حزب کمونیست پرتغال نماینده حزب ما در میزگردی با موضوع محوری "خاورمیانه، تجاوزگری امپریالیستی، مبارزه برای صلح و حق حاکمیت ملی" شرکت کرد. نمایندگان تریبون مترقی بحرین، حزب کمونیست لبنان، حزب کمونیست ترکیه و جبههٔ خلق برای آزادی فلسطین ازجمله سخنرانان این میزگرد بودند. در این همایش که صدها تن از علاقه‌مندان در آن شرکت کرده بودند، نمایندهٔ حزب ما دربارهٔ اوضاع حساس و تهدیدآمیز منطقه، سیاست‌های امپریالیستی به‌منظور شکست مبارزهٔ خلق‌ها در راه صلح و حاکمیت ملی و ادامهٔ سیاست تعمیق تسلط فرادستانه (هژمونیک) بر منابع اولیه و اقتصاد ملی کشورهای خاورمیانه سخن گفت.
رفیق حزبی اهمیت و ضرورت مبارزه برای صلح و پیشگیری از وارد شدن به درگیری‌های نظامی را در راستای مصالح عالیه طبقهٔ کارگر و زحمتکشان میهن ارزیابی کرد و بر سیاست و فراخوان حزب برای برپایی جبههٔ متحد و وسیع همه نیروهای مدافع صلح، آزادی و استقلال میهن تأکید ورزید.

بخش‌هایی از سخنرانی نمایندهٔ حزب در میزگرد

"ابتدا مایلم از رهبری حزب کمونیست پرتغال (PCP)و گردانندگان جشنوارهٔ آوانته برای سازماندهی این نشست سپاسگزاری کنم که به حزب‌های ما این امکان را دادند تا صدای خود را در حمایت از مبارزهٔ مردم فلسطین برای خواسته‌های عادلانه‌شان، یعنی عدالت، صلح و احترام به حق تعیین سرنوشت خویش، بلند کنیم. منطقه با تهدیدها و خطراتی عظیم روبه‌روست. اگر آنچه اکنون در منطقه در جریان است ادامه یابد، خطر وقوع یک جنگ فراگیر نه تنها در خاورمیانه بلکه در سطح جهان، یک احتمال جدی خواهد بود. در سه سال گذشته خاورمیانه شاهد موجی از ناآرامی‌های خشونت‌آمیز بوده است که از سوی رژیم راست افراطی اسرائیل دامن زده شده است. در غزه، یورش نسل‌کشی توسط ماشین جنگی اسرائیل، منجر به کشته شدن بیش از ۶۰ هزار فلسطینی، رقمی استثنایی در کشتار جمعی، شده است.
نسل‌کشی توسط ماشین جنگی اسرائیل در میدان‌های کشتار نوار غزه تا به امروز ادامه دارد و این کار مورد حمایت ایالات متحده و متحدان اروپایی آن است. این یک جنگ نیست؛ بلکه ادامه یک پروژه استعمارگرانه از سوی اسرائیل است که از سوی دولت‌های بزرگ غربی پشتیبانی می‌شود. همهٔ جنبه‌های زندگی غیرنظامیان در غزه به‌طور رَوِشمند (سیستماتیک) نابود شده‌اند. نوار غزه عملاً غیرقابل سکونت شده و به‌این‌ترتیب، جمعیت آواره‌شدهٔ آن هیچ راه عملی برای بازگشت ندارد. برخلاف هرگونه ارزش انسانی و اخلاقی، قرار است که میدان‌های کشتار غزه برای پروژه‌های تجاری و تفریحی مورد استفاده قرار گیرند.
این وضعیت فاجعه‌بار و غیرانسانی باید بی‌قیدوشرط مورد مخالفت قرار گیرد. این یک برنامه شنیع و از نظر اخلاقی ورشکسته است که در همکاری میان سیاستمداران ارتجاعی و راست‌افراطی و سران سرمایه‌داری در ایالات متحده، اسرائیل، اروپا و کشورهای عربیِ وابسته شکل گرفته است. در هسته آن، یک تلاش هماهنگ به رهبریِ دونالد ترامپ، بنیامین نتانیاهو، تونی بلر (نخست وزیر پیشین بریتانیا) و جرد کوشنر (داماد و مشاور دیرینه ترامپ در امور خاورمیانه) قرار دارد. هدف استراتژیک نتانیاهو همواره این بوده است که با کشاندن ایران و ایالات متحده به یک درگیری نظامی گسترده‌تر در منطقه، سیاست نسل‌کُشی خود را در نوار غزه تثبیت کند و به‌این‌وسیله پروژهٔ توسعه‌طلبی استعمارگرانهٔ اسرائیل را به‌پیش برد.
نتانیاهو در این رویکرد به موفقیت‌هایی چشمگیر دست یافته است، رویکردی که اکنون با استراتژی گسترده‌تر ایالات متحده برای حفظ هژمونی منطقه‌ای از طریق تغییر توازن قوا و ترسیم مجدد نقشه ژئوپلیتیکی خاورمیانه (از لبنان و سوریه گرفته تا ایران و فراتر از آن) ترکیب شده است. معاهده به‌اصطلاح "توافق ابراهیم"، دوباره از سوی ترامپ به مثابه ستون اصلی این چشم‌انداز جدید برای منطقه ارائه می‌شود. اجرای آن بر دو عامل اصلی استوار است:
الف) نابودی کامل فلسطین به‌عنوان یک ملت از طریق حذف کامل "راه‌حل دو کشور" و
ب) تغییر شکل قدرت حاکم در ایران به‌گونه‌ای که به ابزاری مطیع (چه از طریق مداخله و فشار سیاسی-اقتصادی و چه با دخالت مستقیم نظامی) برای استراتژی امپریالیستی ایالات متحده بدل شود. این امر همچنان یکی از اهداف محوری محاسبات واشنگتن در منطقه باقی مانده است.
هدف اصلی حمله و جنگ ۱۲ روزه اسرائیل با ایران در دو ماه پیش، ایجاد شرایط برای "تغییر رژیم" بود و با این توهم هدایت می‌شد که مردم ایران در یک "قیام مردمی" از نتانیاهو و رضا پهلوی، پسر تبعیدی شاه مخلوع، حمایت خواهند کرد. ولی نتیجه کاملاً معکوس شد. با وجود مخالفت گسترده مردم با دیکتاتوری دینی حاکم، ایرانیان در سراسر کشور در یک همبستگی ملی گسترده (نه برای حمایت از رژیم، بلکه در مخالفت با تجاوز خارجی) متحد شدند و اعتراض و فریاد "نه به جنگ"، به‌طور گسترده در سراسر ایران طنین‌انداز شد.
برای مقابله با طرح‌های غیرانسانی، ویرانگر و به‌شدت بی‌ثبات‌کننده برای خاورمیانه، و همچنین جنگی که علیه کشور ما به راه افتاده است، نیروهای مترقی، به‌ویژه حزب‌های کمونیست، باید در جبههٔ گسترده "نه به جنگ" متحد شوند. این ائتلاف باید پیرامون فوری‌ترین و فراگیرترین مطالبهٔ مردم، یعنی صلح، شکل بگیرد.
اگرچه صلح به‌تنهایی نمی‌تواند همهٔ آنچه را که ما در مبارزه برای آزادی، عدالت و زندگی شرافتمندانه برای مردم خود می‌طلبیم محقق کند، ولی بدون صلح، چیزی در نهایت برای سازماندهی یا ساختن باقی نخواهد ماند. تاریخ اخیر منطقه ما و نابودی برنامه‌ریزی‌شده زندگی در غزه، گواهی روشن و غیرقابل انکار بر این حقیقت است.
حزب تودهٔ ایران خواستار صلح و پایان فوری این جنگ، به رسمیت شناختن حق مردم فلسطین برای داشتن کشور مستقل فلسطین در چارچوب مرزهای پیش از ۴ ژوئن ۱۹۶۷ با پایتخت اورشلیم شرقی، حق بازگشت همهٔ پناه‌جویان فلسطینی و محاکمه نخست‌وزیر

ادامه در صفحهٔ ۱۰

ادامهٔ پرچم مبارزه برای صلح بر فراز ...

اسرائیل، نتانیاهو، و وزیران فاشیست وی در دیوان لاهه به‌عنوان جنایتکاران جنگی است."

مراسم اختتام جشنوارهٔ آوانته

هیئت نمایندگی حزب توده ایران در مراسم افتتاحیه در روز اول جشنواره و همچنین مراسم اختتامیه باشکوه فستیوال در روز سوم جشنواره، یکشنبه ۱۷ شهریورماه، شرکت کرد. مراسم پرشکوه اختتامیه جشنواره که در حضور بیش از پنجاه هزار عضو و هوادار حزب کمونیست پرتغال و دیگر شهروندان ترقی‌خواه این کشور برگزار شد، بازتاب مبارزه‌ای همه‌جانبه است که از سوی حزب کمونیست و چپ ترقی‌خواه پرتغال بر ضد امپریالیسم و سرمایه‌داری انحصاری اتحادیه اروپا سازمان داده شده است. این مراسم نقطهٔ اوج این جشنواره بزرگ، به‌یادماندنی و بین‌المللی و نمایشی پررنگ از توانایی‌های نظری و عملی حزب کمونیست پرتغال بود. مراسم با سخنان نماینده سازمان جوانان کمونیست پرتغال که نقشی پررنگ و بی‌بدیل در تدارک و برنامه‌ریزی جشنواره داشت و سپس سخنرانی رفیق سردبیر نشریه آوانته، ارگان حزب کمونیست پرتغال آغاز شد. سخنران اصلی مراسم، رفیق پائولو ریموندو، دبیرکل جدید حزب، تحلیلی همه‌جانبه از مبارزهٔ کمونیست‌های پرتغالی برای صلح، دموکراسی واقعی و سوسیالیسم ارائه داد.

رفیق ریموندودر سخنرانی مفصل و مهم خود که از سوی خبرگزاری‌های اصلی پرتغال به‌طور هم‌زمان مخابره و پخش می‌شد، به اهمیت جشنوارهٔ آوانته در مبارزهٔ حزب، اوضاع حساس و تهدیدآمیز بین‌المللی، ضرورت بسیج وسیع‌ترین نیروها به‌منظور دفاع از صلح و حمایت از مبارزه ضدامپریالیستی، خطر آغاز جنگ‌های ویرانگر جدید و همچنین در ارتباط با مبارزه سیاسی چندوجهی حزب کمونیست پرتغال در مسیر دموکراسی واقعی و سوسیالیسم، اشاره کرد.

حزب تودهٔ ایران در جشنوارهٔ "مانیفستا" در بلژیک شرکت کرد

حزب تودهٔ ایران امسال برای نخستین بار به دعوت دفتر روابط بین‌المللی "حزب کارگران بلژیک" در جشنوارهٔ "مانیفستا" که در سال‌های اخیر کم‌کم جای خود را در شمار فستیوال‌های سیاسی- اجتماعی اروپا بازکرده است، به‌طور رسمی شرکت کرد. این جشنواره در روزهای شنبه و یکشنبه ۲۲ و ۲۳ شهریورماه/۱۳ و ۱۴ سپتامبر با شرکت پانزده هزار تن از فعالان چپ، ترقی‌خواه، ضدجنگ و فعال محیط‌زیست برگزار شد.

محوطهٔ جشنواره شامل چادرهایی بزرگ بود که برخی از آن‌ها به منطقه‌های مختلف کشور بلژیک، برای مثال "آنتورپ" و "لیژ"، اختصاص داشتند. هر یک از این چادرها غذاهای ویژهٔ آن منطقه را عرضه می‌کرد و برنامه‌هایی گوناگون در آن‌ها برگزار می‌شد. چادرهایی دیگر نیز برای بحث و مناظره یا برای اتحادیه‌ها، سازمان‌های دانشجویی، و دیگر ابتکارهایی که حزب کارگران بلژیک (PTB/PVDA)انجام داده بود، مانند طرح‌هایی برای بهبود سیستم درمانی بلژیک و مقرون‌به‌صرفه کردن آن برای مردم، در نظر گرفته شده بود.

یک سینمای بزرگ نیز در محوطهٔ جشنواره فعال بود که برخی از پربیننده‌ترین و پرطرفدارترین بحث‌ها و میزگردها در آن برگزار می‌شد. افزون بر این، صحنه‌های نمایش برای هنرمندانی مختلف برپا بود که یکی

از آن‌ها باربارا پراوی، هنرمندی فرانسوی با تبار ایرانی، بود. برای جوانان نیز برنامه های گوناگون ورزشی و اجتماعی درنظر گرفته شده بود. برخی از جنبش‌های مشهور جوانان بلژیک مانند "رِد فاکس" (Red Fox)و "کُماک" (Comac)در فستیوال حضور داشتند.

جشنواره در روز شنبه ۲۲ شهریورماه با سخنرانی همه‌جانبهٔ رفیق رائول هِدِبو (Raoul Hedebouw)، صدر حزب کارگران بلژیک با موضوع محوری "ما با هم اصلاحات بازنشستگی دولت "دِ وِور-روسو" را متوقف خواهیم کرد" آغاز شد. او در سخنرانی خود به اهمیت مبارزهٔ شهروندان برای "تغییر" در بلژیک در اروپا و در جهان اشاره کرد و به سیاست دولت ائتلافی راست حاکم در بلژیک که به‌جای رسیدگی به نیازهای اجتماعی کشور مبالغی هنگفت را برای خرید تسلیحات و هواپیماهای جنگندهٔ نسل جدید آمریکایی اختصاص داده است، حمله کرد. او نقش پر رنگ و موفق کارزار همبستگی با مردم فلسطین و مخالفت با نسل‌کشی در غزه را ستود.

حضور چهره‌های معروف و خوش‌نام جنبش چپ در جشنواره که در برنامه‌های مختلف سخنرانی می‌کردند، قابل توجه بود. در بازدید از غرفه‌ها و جلسه‌های مختلف با جرمی کوربین، سیاستمدار مترقی بریتانیا، مارک بوتنگا، عضو فعال و موفق پارلمان اروپا از بلژیک، خانم توکوزیله زاسا، سفیر آفریقای جنوبی در هلند، و تعدادی دیگر از کنش‌گران سیاسی کشورهای مختلف بحث‌هایی مفید انجام شد. در این گفت‌وگوها تلاش شد تا تحلیل‌های حزب تودهٔ ایران از اوضاع جهان و ایران ارائه شوند.

غرفهٔ حزب تودهٔ ایران در "چادر بین‌الملل" جشنواره برپا شد

در چادر بین‌الملل، میزهایی در اختیار احزاب بین‌المللی شرکت‌کننده از جمله حزب ما قرار داده شده بود. بولتن‌های "توده نیوز" و دیگر نشریه‌های حزب به زبان انگلیسی تهیه و روی میز نهاده شده بود و به احزاب و افراد مختلف که مایل به کسب اطلاعات بیشتر بودند، داده می‌شد.

رفقایی از سنگال، کنگو، برزیل، هند، بریتانیا، کلمبیا، آلمان و بلژیک برای ابراز همبستگی با حزب تودهٔ ایران و گفت‌وگوهای کوتاه به غرفهٔ ما مراجعه کردند. رفقای رهبری حزب کارگر بلژیک به‌ویژه علاقه‌ای زیاد به فعالیت‌های حزب ما نشان می‌دادند. در گفتگو با این رفقا و دیگر بازدیدکنندگان از غرفهٔ حزب ما از جمله بر این واقعیت تأکید می‌شد که حکومت ایران را به‌هیچ‌روی نمی‌توان ضدامپریالیست دانست. و کارزار نیروهای ملی و دموکراتیک و از جمله حزب ما متوجه جلوگیری از یک جنگ دوباره، و لغو فوری و بدون قید شرط همهٔ تحریم‌های اقتصادی علیه میهنمان است. و موضع کلیدی حزب تودهٔ ایران مخالفت با هرگونه مداخلهٔ خارجی و حمله نظامی به ایران با هر توجیهی، دفاع از حاکمیت ملی ایران و "نه به جنگ" است. "حزب ما بر این باور است که فقط مردم ایران هستند که می‌توانند پیرامون مسیر تحولات سیاسی و آیندهٔ ایران تصمیم بگیرند."

چگونه سوسیالیسم از رکود اقتصادی جلوگیری می‌کند؟

در جریان مبارزات ضداستعماری بسیاری از افراد فعال در این عرصهٔ مبارزه در هند به این دلیل جذب سوسیالیسم شدند که جهان سرمایه‌داری در حالی که در وضعیتی از رکود اقتصادی و بیکاری گسترده قرار داشت اتحاد جماهیر شوروی از چنین بحران‌هایی کاملاً در امان به‌نظر می‌رسید. رفیق "ای.ام.اس نامبودیریپاد" یکی از این افراد بود و در این‌باره نوشته‌هایی دارد. این افراد دریافتند که در کارکرد اقتصاد سوسیالیستی چیزی درونی و ذاتی وجود دارد که به آن امکان می‌دهد برخلاف سرمایه‌داری از رکود اقتصادی و در واقع از هرگونه وضعیت "تولید مازاد" عمومی بپرهیزد. پرسش به‌جا این است که تفاوت میان این دو اقتصاد در کجاست؟

وضعیت تولید مازاد هنگامی رخ می‌دهد که ظرفیت تولید با استفاده کامل از سرمایهٔ موجود، از تقاضای واقعی بازار در زمان تولید بیشتر باشد. بنابراین، در هر ظرفیتی کالاهای اضافه بر تقاضا انباشت می‌شوند و از این روست که در آن نقطهٔ زمانی ظرفیت تولید را کاهش می دهند تا زمانی که سطح تولید پاسخگوی فقط حجم تقاضا باشد.

اقتصاد بورژوایی بر این باور است که اگر دستمزدهای پولی و قیمت‌ها انعطاف‌پذیر باشند می‌توان بر این وضعیت مازاد تولید غلبه کرد. فرض کنید در آغاز، به‌دلیل تولید بیش از حد، تولید به زیر ظرفیت تولید کاهش داده شده است. در این صورت کاهش دستمزدهای پولی و قیمت‌ها موجب افزایش ارزش واقعی موجودی نقدی مردم می شود و آنان را به خرج کردن بیشتر وادار می‌کند و ازاین‌روی تقاضای کل افزایش می‌یابد. این روند تا زمانی که تولید با ظرفیت کامل، در مجموعه‌ای جدید از دستمزدهای پولی و قیمت‌ها، تولید و تقاضا شود، ادامه خواهد داشت. ازاین‌روی، اگر تولید و اشتغال کم‌تر از ظرفیت کامل باشد، دلیل آن در این واقعیت نهفته است که دستمزدهای پولی و قیمت‌ها انعطاف‌پذیر نیستند. به‌عبارت دیگر، به بازارها اجازه داده نمی‌شود آن‌طور که باید کار کنند. دلیل انجام این کار نیز به وجود اتحادیه‌های کارگری نسبت داده می‌شود، زیرا آن‌ها برای به‌دست آوردن سطحی معین از دستمزد پولی چانه‌زنی می‌کنند و اجازه نمی‌دهند این دستمزد از آن سطح پایین‌تر بیاید. بنابراین، این انعطاف‌ناپذیری دستمزدهای پولی زمینه‌ساز تولید بیش از حد و بیکاری گسترده است و از آن‌جا که این امر ناشی از فعالیت اتحادیه‌های کارگری است، درمان مازاد تولید و بیکاری ناشی از آن در نظر اقتصاد بورژوایی چیزی جز درهم شکستن اتحادیه‌ها و آزاد گذاشتن بازارها برای عمل نیست. این دقیقاً همان چیزی است که "مارگارت تاچر" و دیگران در پی انجامش بودند.

با این حال، این استدلال اقتصاد بورژوایی فریب ایدئولوژیکی‌ای محض است. اگر قرار باشد مازاد تولید از راه کاهش دستمزدهای پولی و قیمت‌ها برطرف شود، نه تنها تولید و اشتغال بهبود نمی‌یابد، بلکه می‌تواند در یک اقتصاد سرمایه‌داری فاجعه‌بار باشد. بدهی شرکت‌ها به‌گونهٔ سنتی به‌گونهٔ تعهدهای نقدی محاسبه می‌شود و اگر دستمزدهای پولی و قیمت‌ها کاهش یابند، درآمد آن‌ها نسبت به این تعهدها سقوط می‌کند. این امر بسیاری از آن‌ها را به سوی ورشکستگی سوق خواهد داد. بنابراین، به‌جای آنکه کاهش دستمزدها و قیمت‌ها از راه افزایش تقاضا به رشد اشتغال و تولید منجر شود، برعکس، اشتغال و تولید کاهش خواهد یافت زیرا شرکت‌ها زیر فشار موجی از ورشکستگی‌ها از پا درمی‌آیند.

از سوی دیگر، اگر قیمت‌ها کاهش یابند ولی دستمزدهای پولی بدون تغییر باقی بمانند، هرگاه تقاضای کافی در هنگام ظرفیت کامل تولید وجود نداشته باشد، مقدار تقاضا، به‌دلیل افزایش دستمزدهای واقعی افزایش خواهد یافت، ولی حاشیه سود کاهش می‌یابد. بدیهی است که شرکت‌ها با این امر مخالفت خواهند کرد. علاوه بر این، برخی شرکت‌ها حتی دچار زیان خواهند شد و از عرصهٔ کسب‌وکار بیرون رانده می‌شوند، به‌گونه‌ای که تولید و اشتغال باز هم پایین‌تر از سطح اولیهٔ تولید در ظرفیت کامل قرار خواهد گرفت. ازاین‌روی، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که در یک اقتصاد سرمایه‌داری، مازاد تولید در سطح ظرفیت کامل تولید هرگز نمی‌تواند از طریق سازوکار بازار برطرف شود.

در یک اقتصاد سوسیالیستی، بر خلاف سرمایه‌داری، وسایل تولید در مالکیت اجتماعی قرار دارند که درعمل به‌معنای مالکیت دولتی است. همهٔ سود شرکت‌ها به بودجهٔ دولت واریز می‌شوند. بنابراین این‌که یک شرکت منفرد سود کند یا زیان، برای مالک آن یعنی دولت، اهمیتی چندان ندارد. آنچه مهم است این است که درمجموع شرکت‌ها باید میزان مثبتی سود به‌دست آورند. بنابراین شرکت‌های منفرد اگر زیان‌دِه باشند تعطیل نمی‌شوند. دولت می‌تواند به همهٔ شرکت‌ها دستور دهد با ظرفیت کامل تولید کنند و اجازه دهد قیمت، بدون تغییر دستمزد پولی، تا سطحی که بازار را به تعادل می‌رساند کاهش یابد. در این سطح قیمت برخی شرکت‌ها سود خواهند داشت در حالی‌که برخی دیگر- اگر تقاضا در اقتصاد پایین باشد- دچار زیان خواهند شد. شرکت‌های سودآور سهمی مثبت به بودجهٔ دولت خواهند داد، در حالی‌که شرکت‌های زیان‌دِه از بودجهٔ دولت یارانه دریافت خواهند کرد. ولی تولید می‌تواند همیشه در ظرفیت کامل باقی بماند و از آن مهم‌تر، در این سطح تولید، سود شرکت‌های سودآور همیشه بیش از زیان شرکت‌های زیان‌دِه خواهد بود، به‌گونه‌ای که بودجهٔ دولت، بر پایهٔ این سیاست، هیچ‌گاه با کسری مواجه نخواهد شد.

دلیل این ادعای اخیر ساده است. تا زمانی که سرمایه‌گذاری مثبت وجود داشته باشد باید پس‌انداز مثبت در اقتصاد وجود داشته باشد (ما سرمایه‌گذاری خارجی را نادیده می‌گیریم). برای ساده نمودن مسئله، با فرض اینکه همهٔ دستمزدها مصرف می‌شوند و همهٔ پس‌اندازها از سود شرکت‌ها تأمین می‌شوند (که به‌طور کلی با واقعیت سوسیالیسم پیشین مطابقت داشت)، سرمایه‌گذاری مثبت در اقتصاد باید به‌معنای پس‌انداز مثبت و درنتیجه سود مثبت باشد. از این رو، تا زمانی که اقتصاد سوسیالیستی سرمایه‌گذاری مثبت انجام می دهد، همیشه درمجموع سود مثبت وجود خواهد داشت؛ یعنی سود شرکت‌های سودآور بیش از زیان شرکت‌های زیان‌دِه خواهد بود. بنابراین، دولت سوسیالیستی همواره می‌تواند از همهٔ شرکت‌ها بخواهد با ظرفیت کامل تولید کنند و درعین‌حال بتواند از بودجه به شرکت‌های زیان‌ده یارانه متقابل بدهد.

به‌این‌ترتیب، اقتصاد سوسیالیستی همیشه با ظرفیت کامل می‌تواند کار کند. دلیل این امر آن است که همه شرکت‌ها در مالکیت اجتماعی هستند و بنابراین مجبور نیستند به‌صورتی جداگانه از زیان جلوگیری کنند. بدون شک حتی در اقتصادی سوسیالیستی نیز نوسان‌هایی در تقاضای کل بر اساس قیمت‌های پایه وجود دارد، زیرا سطح سرمایه‌گذاری کل می‌تواند نوسان داشته باشد. یکی از دلایل مهم چنین نوسان‌هایی در سرمایه‌گذاری چیزی است که "اثرهای پژواکی" نامیده می‌شود. به‌این معنی که تمرکز نخست سرمایه‌گذاری، مثلاً هنگام آغاز ساختن سوسیالیسم، موجب می‌شود سال‌ها بعد، هنگامی که بخش زیادی از تجهیزات قدیمی به‌طور هم‌زمان مستهلک شده‌اند، بار دیگر تمرکزی مشابه رخ دهد. با این حال نکته این است: چنین نوسان‌هایی در سرمایه‌گذاری به نوسان‌های واقعی در تقاضای کل منجر نمی‌شوند، زیرا حرکت قیمت‌ها نسبت به دستمزدهای پولی تضمین می‌کند که مصرف وقتی سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد افزایش یابد و وقتی سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد کاهش یابد. به‌عبارت دیگر، تغییر دادن دستمزدهای واقعی برای جبران نوسان‌های سرمایه‌گذاری انجام می‌شود و باعث می‌گردد تقاضای کل همیشه برابر با تولید در ظرفیت کامل باقی بماند.

این‌ها همه فقط نظریه‌پردازی‌ای انتزاعی در مورد اقتصاد سوسیالیستی نیست. چنین وضعیتی در اتحاد جماهیر شوروی و سپس در کشورهای اروپای شرقی وجود داشت، جایی که نوسان‌های سرمایه‌گذاری، برخلاف دوران سرمایه‌داری، به نوسان‌هایی مشابه ولی اغراق‌آمیز در تولید کل از طریق آنچه با عنوان "ضریب فزاینده" شناخته می‌شود منجر نشد. این نوسان‌ها صرفاً در سرمایه‌گذاری باقی می‌ماندند و تقاضای مصرف‌کننده این نوسان‌ها را جبران می‌کرد تا اطمینان حاصل شود اقتصاد همیشه در ظرفیت کامل عمل می‌کند.

به‌بیانی دیگر، نوسان‌های سرمایه‌گذاری در اقتصاد سرمایه‌داری، به نوسان‌های مصرف در همان جهت و درنتیجه کل تولید منجر می‌شود (چه با تغییر قیمت‌ها همراه باشد و چه نباشد). در اقتصاد سوسیالیستی نوسان‌های سرمایه‌گذاری موجب نوسان‌های مصرف در جهت مخالف می‌شود تا اطمینان حاصل شود تولید در

ادامه در صفحهٔ ۳

صلح پایدار مستلزم برقراری عدالت، تشکیل کشور مستقل فلسطین، و احترام به حق حاکمیت ملی خلق فلسطین است

»طرح ۲۰ ماده‌ای ترامپ«، که با همراهی بنیامین نتانیاهو و در هماهنگی کامل با چهره‌های شناخته‌شدهٔ طرفدار صهیونیسم تدوین شده است، در ظاهر طرحی برای پایان دادن به جنگ و مبادلهٔ گروگان‌هاست. اما از دیدگاه طرفداران صلح و حقوق مردم فلسطین، این طرح در واقع چیزی بیش از پوشش سیاسی برای اجرای کامل شروط اسرائیل و تثبیت وضع موجود به سود اسرائیل نیست. دکتر مصطفی برغوثی، یکی از صریح‌ترین سخن‌گویان و مدافعان جنبش مردم فلسطین، هشدار می‌دهد که این طرح »به ریشه‌های بحران (اشغال، زمین، حقوق ملی) نمی‌پردازد و احتمالاً نتانیاهو نیز به آن پایبند نخواهد بود.«

واقعیت این است که طرح ترامپ با تمرکز بر سه محور اصلی اولویت‌دهی مشروط به صلح و آزادی گروگان‌های اسرائیلی، مهندسی مجدد حاکمیت غزه (تحت‌الحمایگی)، و به تعویق انداختن تحقق حقوق ملی بنیادین فلسطینی‌ها تهیه شده است و به‌جای ترویج صلح، بی‌عدالتی ساختاری را تحکیم می‌کند.

اگرچه در این طرح بر آتش‌بس و تبادل اسیران تأکید شده، اما تحقق این دو به شروط سیاسی مخربی گره خورده که نتیجهٔ آنها نادیده گرفته شدن حق مقاومت و دفاع مردم فلسطین در برابر اشغالگری است. هیچ تضمین روشنی نیز برای پایان دادن دائمی و کامل به تجاوز اسرائیل در آن منظور نشده است. در این طرح مشترک ترامپ و نتانیاهو، حاکمیت سیاسی غزه از دست فلسطینی‌ها خارج و به یک »کمیتهٔ تکنوکرات غیرسیاسی «زیر نظارت »هیئت صلح «به رهبری شخص دونالد ترامپ سپرده شده است. این اقدام هم دخالت مستقیم در اعمال حق حاکمیت ملی فلسطین است و هم نقشی حداقلی و موقت برای تشکیلات خودگردان فلسطین تعیین می‌کند و عملاً غزه را زیر »نظارت بین‌المللی «با گرایش‌های آمریکایی–اسرائیلی قرار می‌دهد.

در این طرح، که بیشتر برای تثبیت نقشه‌های ترامپ و نمایندهٔ تمام‌عیارش در تل آویو تنظیم شده است، بر خلع‌سلاح و تغییر حاکمیت اصرار شده، اما موضوع‌های حیاتی ملت فلسطین، به‌ویژه تشکیل کشور مستقل فلسطین با پایتختی اورشلیم شرقی و حق بازگشت پناهندگان فلسطینی به‌عمد مبهم باقی گذاشته شده یا به اصلاحات طولانی‌مدت و توافق‌های آینده مشروط و موکول شده است. با این رویکرد، در واقع حقوق اصلی و مسلّم مردم فلسطین فدای مطالبات امنیتی اسرائیل می‌شود.

این طرح به‌جای اینکه هدفش تحقق صلحی عادلانه همراه با پایان دادن به اشغال و تشکیل کشور مستقل فلسطین باشد، طرحی یک‌جانبه است که با استفاده از فشار ناشی از جنگ می‌کوشد هدف‌های بلندمدت اسرائیل برای حذف مقاومت ملی و تثبیت مرزهای امنیتی دلخواهش را به فلسطینی‌ها تحمیل کند.

از دید طرفداران صلح در خاورمیانه و پایان یافتن فوری جنگ در غزه، هر طرح صلحی که در اوضاع کنونی و زیر سایهٔ جنگ و نسل‌کشی ارائه شود باید با احتیاط و دقت فراوان بررسی شود. طرح »ترامپ «نیز از این قاعده مستثنا نیست.

سخن‌گویان واقعی مردم فلسطین معتقدند که هر تلاشی برای متوقف کردن جنگ، کشتار، و آوارگی مردم غزه اولویت اخلاقی و انسانی مبرمی است و بدون قیدوشرط‌های سیاسی باید محقق شود. هر بخشی از طرح که به آتش‌بس فوری، رساندن کمک‌های انسان‌دوستانه، و خروج نیروهای اشغالگر بینجامد گامی به جلو است. با این حال، صلح واقعی و پایدار هرگز نمی‌تواند بر مبنای تحمیل شروط یک‌جانبه یا امتیازدهی به اشغالگر باشد، به‌ویژه پس از وقوع چنان فجایعی که در غزه شاهد بوده‌ایم. طرحی که جوهر اصلی‌اش نادیده گرفتن حقوق ملی مسلّم مردم فلسطین، الحاق سرزمین‌های اشغال‌شده به خاک اسرائیل، محو کردن مسئلهٔ آوارگان فلسطینی، و تضعیف نمایندگی قانونی آنها در »سازمان آزادی‌بخش فلسطین «باشد در واقع نه طرح صلح، بلکه طرحی برای تثبیت اشغال و بی‌عدالتی است.

طرفداران صلح و عدالت و مدافعان حاکمیت ملی خلق‌های خاورمیانه به‌صراحت اعلام کرده‌اند که اولویت فوری پایان دادن بی‌درنگ به تجاوز اسرائیل، جنگ نسل‌کشی، و رفع محاصرهٔ غزه است. این امر نباید به هیچ شرط سیاسی‌ای گره بخورد. صلح پایدار و راه‌حل عادلانه و پایدار فقط از طریق پایان یافتن کامل اشغالگری اسرائیل، تشکیل کشور مستقل فلسطین با پایتختی اورشلیم شرقی در مرزهای ۱۹۶۷، و تحقق حق بازگشت پناهندگان و آوارگان مطابق با قطعنامه‌های بین‌المللی ممکن است.

حزب مردم فلسطین در بیانیه‌ای که روز پنجشنبه ۱۰ مهر در ارتباط با طرح ترامپ منتشر کرد، با مطرح کردن سه نکتهٔ کلیدی چنین موضع‌گیری کرد:

»ما خواهان پاسخ واحد فلسطینیان به 'طرح ترامپ' هستیم که از توقف فوری جنگ نسل‌کشی حمایت کند، شروط سیاسی آن را خنثی سازد، و تمامیت ارضی کشور فلسطین را حفظ کند.

»اول: اولویت ملی مبرم امروز توقف جنگ تجاوزکارانه و نسل‌کشی علیه مردم ما در نوار غزه، جلوگیری از آواره‌سازی آنها از سرزمینشان، و تضمین خروج نیروهای اشغالگر است. پاسخ فلسطین باید با نهایت انعطاف‌پذیری عملی تدوین و تلاش شود که استدلال‌ها و بهانه‌های مورد استفاده در آن رد شود. از سوی دیگر، در این پاسخ هر تلاشی برای توجیه و ادامهٔ نسل‌کشی از طریق گذاشتن شروط سیاسی آشکار– که کاملاً مغایر با قطعنامه‌های قانونی بین‌المللی است– باید رد شود.

»نسل‌کشی رفتاری فاشیستی است که همهٔ قوانین بین‌المللی را نقض می‌کند و توجیه آن به هر بهانه‌ای بسیار خطرناک است. هر کسی که در این توجیه و سرپوش‌گذاری مشارکت کند– در رأس آنها دولت آمریکا و متحدانش– در جنایت نسل‌کشی علیه مردم ما کاملاً همدست است.

»دوم: فراخوان فوری حزب برای وحدت مواضع فلسطینی برای دادن پاسخ جمعی به 'طرح ترامپ'، محتوای آن، و نحوهٔ برخورد با آن، از طریق مشاوره‌های فوری میان سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف)، حماس، و دیگر نیروهای فلسطینی، و تدوین یک راهبرد ملی که میان تلاش برای توقف فوری جنگ کشتار و تجاوز علیه مردم ما به‌عنوان اولویت ملی و ضرورتی مقدم بر هر چیز، و رد کردن نتایج و شروط سیاسی، که بر جوهر آرمان ما و حقوق ملی مسلّم ما و در رأس آنها ایجاد کشور فلسطین اثر می‌گذارد، تمایز قائل شود.

»سوم: استفادهٔ حداکثری از پویایی همبستگی بین‌المللی و حمایت از حقوق ملت فلسطین، همکاری با جنبش‌های مردمی و رسمی، و تشدید پیگرد و محاکمهٔ جنایت‌کاران جنگی در دادگاه‌های بین‌المللی.«

کمک مالی رسیده

۸۴ سال– به یاد همه رفقایی که صادقانه و وفادارانه در راه اندیشه های انسانی حزب کوشیدند و ستاره شدند–اتریش ۸۸۰ یورو

به یاد رفیق ساسان از آمریکا ۶۰۰ دلار

آدرس پستی: B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس سایت حزب: http://www.tudehpartyiran.org
ای-میل حزب: E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de
تلگرام حزب: https://t.me/tudehpartyirandotorg
فیس بوک حزب: https://www.facebook.com/profile.php?id=100064514717426
توییتر حزب: https://x.com/OfficialTudeh

For Peace, Independence, Democracy, Social Justice and Socialism

حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran

"Nameh Mardom" No. 1244, 6 October 2025
Central Organ of the Tudeh Party of Iran